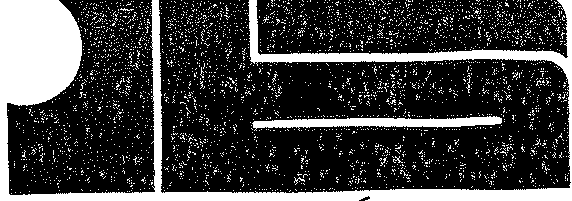


مبارزه ضد امپریالیستی
جدا از مبارزه برای
دمکراسی نیست

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۲۰ صفحه ۴۰ ریال

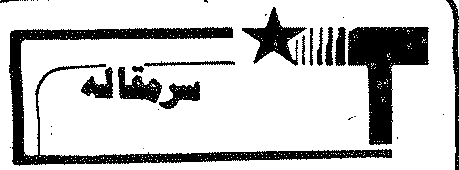
چهارشنبه ۶ خرداد ۱۳۶۰

سال سوم - شماره ۱۱۱

گزارش هیئت بررسی شکنجه دروغپردازی دیگری از حزب جمهوری اسلامی

بالاخره پس از مدتها که از اسماط -
اعضای هیئت بررسی شکنجه گذشت هفت
به کار خود پایان داد و گزارش عملکرد
های خود را به آیت الله خمینی تقدیم کرد.
البته قبل از تهیه گزارش -
تحقیقات آنها کاملاً قابل پیش بینی بود.
آیت الله خمینی مدتها قبل از روسیدن
نتیجه عمل اعلام کرده بود که نتروهای

سیاسی خودشان بدکند تا "و هواداران -
شان مسردارند و همچنین هیئت بررسی
شکنجه سردرما حبه ها سی که انجام میداد
با و ناحت تمام اعلام میکرد که در زندانها
این زندانیان هوادار کروهی هستند که
سازمانهای خود را در آن را شکنجه می
دهند. و مسائلی که در زندانها میگذرد
نقشه در صفحه ۱۷



مقابله با آزادی بنام آزادی

رژیم جمهوری اسلامی در ادامه مساع
های اخیر خود تسلیمات گسترده ای را علیه
سروهای انقلابی آغاز کرده است و اسرار
اهداف واقعی خود را که همانا سرکوب
زحمتکشان ایران و تسلط استبدادی بر سر
حق و آزادیهای سیاسی کلیه اقشار و
طبقات خلق است در پیش سیاسی عوام -
فرستاده دنبال میکند.
این سیاست مقابله با آزادی بنام
آزادی است.

رژیم جمهوری اسلامی از آزادی محس
میگوید و از همه سازمانها و کزوهیهای
سیاسی دعوت میکند که باید برش سیاست
آزادبختیها را جمهوری اسلامی کسه
حاجت آن در اطلاعیه ده ماده ای دادستان
کل انقلاب آمده است. از حق فعالیت
علنی برخوردار شوند.
مدان و حیره حواریان حکومت نظیر
حزب توده و جناح راست اکثریت سسر
صن تا شد این سیاست رژیم تا با سی
مضحک از بوده ها و سازمانهای انقلابی
سخنواهند که ادعای آزادیخواها به رژیم
را باور نکنند.
نقشه در صفحه ۲

هرگونه تضعیف جنبش
مقاومت خلق کرد
خیانت به انقلاب است

تصویری از لایحه قصاص

هنکا میکه ما دردی ما ه ۱۳۵۹ پیرده از
روی تدوین لایحه ای تحت عنوان "قصاص"
توسط نورابعلی فضائی برداشته و بخش
اول آنرا در نشریه منتشر کرده و
با فتاوی این لایحه بیگناهی ارتجاعی
بردا کنیم. خیلیها از روی نا باوری بنا
آن سرخورد کردند. ما هیئت ارتجاعی و
قرون وسطائی این لایحه آشنان عیان
بود که مردم فکر نمی کردند دولت صهری
اسلامی جرأت کند به مقررات قصاص و حدی
یعنی سنگسار کردن، قطع دست و بریدن

بقیه در صفحه ۷

هر جنبشی را همواره در مراحل مختلف
نکا مل آن خطرات کونا کونی تهدید
میکند. با بد این خطرات را در هر مرحله
جنبش بدقت شناخت و با آن بمقابله جدی
برخاست. آنچه که امروز جنبش مقاومیت
خلق کرد را پیش از دو سال مقاومیت
استوار در برابر سرکوبیهای رژیم ضد
انقلابی جمهوری اسلامی تهدید میکند
کشمکش و درگیریهای درونی است. این
خطر است که هزاران بار پیش از بسا رانها
ویورسهای و حسیانه سرکوبیکرا به رژیم
نقشه در صفحه ۸

- در این شماره**
- برآوردگان جدیدی گذرد!
 - جنبش کارگری
 - از میان نمانده های کارگری
 - پاسخ به سنسوالاب
 - کزیدد از نشریات شهرسایها

بحث «آزاد» و جمهوری اسلامی!؟

عمل می آورند که در این بحث ها شرکت
جویند. البته این حرکت که منجا و از یک
سال پیش آغاز شد، تا تکلی که آنها با
پیشنها کردند. مورد قبول سرو هندی
و اهما "مردمی و انقلابی" قرار گرفت.
زیرا محور این بحثها نیز توسط همی -
کردند که تعیین و اعلام گردیده، و
نقشه در صفحه ۱۹

عداوسیمای جمهوری اسلامی کسه
مدنهاست به دستگاه تبلیغاتی صرف
سردمداران حزب جمهوری اسلامی بدل
شده است و کردانندگان آن در قلمرو
واقعیات مربوط به زندگی مردم و جنبش
خلق های ایران بد طولانی دارند. حدی
است که سخن از بحث "آزاد" می رانند
و از سروهای مختلف سیاسی دعوت به

نابود باد امپریالیسم جهانی سرگردگی امپریالیسم آمریکا
وپایگاه داخلیش

مقابله با آزادی بنام آزادی

نقد و بررسی

ما تاکنون بدفعات هدف رژیم را از این سیاست بازگو کرده ایم. ما پیش از این گفتیم که دولت جمهوری اسلامی تا کتیک تکلیف فریب و سرکوب را در پیش گرفته است. می‌گوئید از یکسو چنین وانمود کنید که با فعالیت علنی سازمانهای سیاسی بشرطی که علیه جمهوری اسلامی مبارزه مسلحانه نکنند موافق است تا بدین طریق در میان نوده‌ها برای خود مشروعیتی کسب کند و از سوی دیگر زمینه را برای سرکوب سازمانهای انقلابی هموار کند.

روشن است که سیاست رژیم جمهوری اسلامی در اساس همان سیاست دوسالسه گذشته در زمینه سلب حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی بوده‌هاست. اما این سیاست در شرایط کنونی با توسل به تاکتیک فوق‌الذکر دنبال می‌شود.

بر کسی پوشیده نیست که طی مدتی که از قیام نوده‌ها می‌گذرد، رژیم جمهوری اسلامی لحظه‌ای از دست بردن به آزادی‌های سیاسی و سلب ابتدائی ترین حقوق زحمتکشان فروگذار نکرده‌است.

آنچه که نوده‌ها با قیام خود بدست آورده‌اند مدام مورد یورش حکومت قرار گرفته‌است. آزادیهای سیاسی نیز در زمره همان حقوقی هستند که نوده‌ها با مبارزه خود آنها را کسب کرده‌اند. اما رژیم جمهوری اسلامی پس از بی‌قدرت رسیدن مدام گوینده‌است که تا حد ممکن این آزادیها را از نوده‌ها بازستاند. امروز نیز آخرین تلاش خود را یکبار می‌گیرند، تا بی‌طور کلی این سیاست خود را عملی کنند.

نمونه‌ها را از این سیاست اطلاعیه دادستان کل انقلاب است.

دادستان کل انقلاب از سازمانهای انقلابی می‌خواهد تا اطلاعیه‌های را بپذیرند که در آن حتی حق اعتصاب و تخمین که در زمره ابتدائی ترین حقوق کارگران و زحمتکشان است، از آنها سلب شده‌است. او در همان حال از مسئله خلع سلاح صحبت می‌کند و از گروههای مسلح می‌خواهد که سلاحهای خود را تحویل دهند.

روشن است که دادستان کل انقلاب پیشینه‌ها می‌کند که گروهها و سازمانهای سیاسی از مبارزه انقلابی و دفاع از حقوق زحمتکشان دست بردارند تا آنها اجازه فعالیت علنی داده شود. آنچه که در اطلاعیه دادستان کل انقلاب بی‌چشمه می‌خورد اینست که گروهها و سازمانهای سیاسی باید بر سیاستهای حکومت در مورد سلب حقوق دمکراتیک نوده‌ها مهرتاشید بزنند.

بعبارتی دادستان کل انقلاب می‌گوید ما بشرطی بشما اجازه فعالیت علنی می‌دهیم که از اعتصابات کارگری حمایت نکنید، از مبارزات دهقانان برای زمین دفاع نکنید، بر سرکسب و خلقی کرد و دیگر خلفهای تحت ستم ایران مهرتاشید بزنید، از سیاست خلع سلاح نوده‌ها دفاع کنید، در یک کلام رژیم جمهوری اسلامی آزادی خیانت به خلق را بپذیرد سازمانهای سیاسی پیشنهاد می‌کند.

روشن است که یک چنین سیاستی نمیتواند موردتائید سازمانهای انقلابی قرار گیرد.

در مجموع کل اطلاعیه دادستان بیانگر تلاش حکومت در جهت سلب آزادیهای سیاسی است.

ما می‌دانیم رژیم جمهوری اسلامی خواهان رعایت حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی نوده‌ها نیست.

ما می‌گوئیم رژیم جمهوری اسلامی به دمکراسی و آزادی اعتقادی ندارد. این مسئله را تجربه دوسال گذشته خوب می‌نشان داده‌است. و الا چرا اعتصاب را که حق مسلم کارگران و زحمتکشان است، برسمیت نمی‌شناسد و هرگونه مبارزه کارگران را مستوجب مجازات میداند؟

چرا اینچنین با شوراها و انقلابی دشمنی می‌ورزد و مدام درسی منلشی کردن آنهاست؟

چرا حقوق مسلم خلقهای تحت ستم ایران را لگدمال کرده‌است و حاضر نیست دست از سرکوب خلق بردارد و حقوق بر حق خلق گرد را برسمیت بشناسد؟

چرا دهقانانی را که خود به سهولت انقلابی در پی تحقق شعار رژیم از آن کسانی است که روی آن کار میکنند - هستند سرکوب میکند؟

چرا مانع فعالیت علنی سازمانهای انقلابی است؟

چرا هزاران اکتال و مانع بر سر راه ادامه فعالیت کارکنانها و سازمانهای نوده‌ها و دمکراتیک ایجاد میکند؟

چرا تمام تشریفات نیروهای انقلابی را توقیف کرده و ممنوع‌الانتشار اعلام نموده‌است؟

چرا به سازماندهی باندهای تروریست موسوم به حزب الله می‌پردازد و آنها را همانند سگ‌ها ریجان مردم می‌اندازد؟

چرا به شکنجه، ترور، کشتار و زندانی کردن انقلابیون متوسل میشود؟

چرا آزادی اعتقادات، آزادی بیان، آزادی اجتماع، را از مردم سلب کرده‌است؟

چرا اقلیت‌های مذهبی را اینچنین از حقوق اجتماعی شان محروم کرده‌است؟ چرا می‌خواهد نوده‌ها را خلع سلاح کند؟ چرا هم‌اکنون در پی تصویب لایحه ضدبشری و ارتجاعی قصابی است؟ و دهها چرای دیگر...

آیا این همه شواهد کافی نیست تا بر خلاف ادعای مدافعان و جیره‌خواران - حکومت، حزب نوده و اکثریت، بی‌اعتقادی حکومت را به هرگونه آزادی و حقوق مسلم نوده‌ها نشان دهد؟

ما یقین داریم که نوده‌های زحمتکشان میهن ما اجازه نمی‌دهند، که رژیم جمهوری اسلامی بنام نظم و قانون، بنام آزادی، آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک نوده‌ها را که حق مسلم آنهاست و نوده‌ها آنها را مبارزه نهمانانه خود بدست آورده‌اند، اینچنین کشتاخانه مسورد بیورش و دستبرقرار دهد.

آیا اجازه نمی‌دهند که یکبار دیگر دیکتاتور افسارگسیختگی به آنها تحمیل شود.

ما نیز تنها آن قانونی را رعایت خواهیم کرد که حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی نوده‌ها را برسمیت بشناسد.

توضیح

از آنجا که اسراییل سواست برولسری و نهادهای جهانی همچون حزبی اسراییل ما در دستور کار سازمان قرار خواهد گرفت و با دستبرسراش مسائل مبارزه با دیکتاتوریک صورت گیرد، لذا با روشن شدن نظرات صریح و مشخص سازمان در این باره ضمن تاکید بر اصولی بودن شعارها تا بودا ما بر اساس ستم جهانی سرگردگی اسراییل ستم آمریکا و تاسکاه داخلی را ادامه مقابله در مبارزه‌های اساسی جبهه ضد اسراییل ستمی - دمکراتیک خلقهای ایران را بدست موکول خواهیم کرد.

سعید سلطانپور

همچنان در اسارت

رژیم جمهوری اسلامی

است

در ادامه اعتراضات سازمانها و گروههای انقلابی و میرقی به بازداشت سعیدسلطانپور و همسرش عروهنرمندا انقلابی و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان کانونهای دمکراتیک دانشکاه هیات عمده اعتراض به بازداشت سعیدسلطانپور و خواستار آزادی وی شده‌اند. در تارکستی که از سوی کانونهای دمکراتیک دانشکاهیان بخش شد کفتمه میشود: "سعیدسلطانپور را عروهنرمندمبار می‌زند که سالهاست در سرکوب خلق علیه امیرالایسم و در برابر خود کما مکتبی و خفقان مبارزه میکند، هنرمندا انقلابی که سالها در زندانهای رژیم سرسیرده شده اسیر بود، بار دیگر در زندان است." سعیدسلطانپور را عروهنرمندمردمی و مبارزان آزادی‌دیده‌اند.

همچنین در تلگرامی که از سوی دفتر سیاسی حزب سوسیالیست متحد فرانسه به بنی صدر مخاطب برده شده‌است، ضمن اعتراض به سیاست سرکوب و اختناق، اعتراض به کشته شدن دو تن از میلیشهای مجاهدین خلق کفتمه میشود: "از طرف دیگر خبر دستگیری سعیدسلطانپور را که ما به دفعه و ماست نهمانانه‌اش علیه دیکتاتور توری شاه غیر قابل تردید است، در یافتیم. علیرغم هر نهمی که بسا و می‌رسد ما متعهدیم که لازم است که با آزادیگشتن ما بتواند آزادیگشتن از خود دفاع کند." اعتراض به بازداشت سعیدسلطانپور همچنان ادامه دارد.

و طبقه همه نیروهای انقلابی و میرقی است که علیه سیاستهای سرکوبگرانه و اختیاتی رژیم جمهوری اسلامی شدیدا مبارزه کنند، و به بازداشت سعیدسلطانپور که بخشی از این سیاست رژیم است، اعتراض نمایند.



اعتصاب

در شرکت ماشین سازی

شرکت ماشین سازی یکی از کارخانجات گروه صنعتی کفش ملی است. در پی اخراج های دسته جمعی که در این چند ماه توسط مدیران مکتبی این گروه و بسا همکاری بنده ریخ احمن اسلامی صورت گرفت، جوخه فاشیست و سرکوب در این گروه صنعتی بنده با لاک گرفته است. مدیران مکتبی که فاقد درجه یا سکوئی به خواستهای توده کارگران نیستند میخواهند با تسلیم به شیوه سرکوب و اخراج و دستگیری کارگران مانع مبارزات متحد و یکپارچه کارگران

شوند. اما کارگران در عمل نشان دادند که از هر مبارزه درسی می آموزند و با اخراج، دستگیری و زندان، هیچگاه تسلیم نمیشوند. درسی بالا گرفتیم موج مبارزه بساری در یافت سود ویژه در شرکت ماشین سازی. مدیریت ضد کارگران این شرکت ختم اخراج این کارگران را اما در مکتب، بدست این عمل، کارگران از روزی سه دست به اعتصاب زده و خواهان لغو حکم اخراج همکاران خود میگرددند. کارگران شرکت نامه که یکی دیگر از شرکتهای گروه صنعتی است جنبه های و همبستگی با اعتصاب کنندگان ماشین سازی، از روز سه شنبه دست از کار می کشند. اعتصاب کارگران همچنان ادامه دارد. کارگران ماشین سازی که از حمایت فعالانه سایر کارگران گروه صنعتی برخوردار هستند مضمینند تا لغو حکم ضد کارگری مدیریت، متحدانه مبارزه ادامه دهند.

جنبش کارگری



مبارزه کارگران کمپیدرو

علیه "حق ویژه"

در کارخانه کمپیدرو، در رژیم سابق، به تعدادی از کارمندان و سرپرستها "حق ویژه" پرداخت میشد. این افراد که عموماً نقش زیادی در حاشی و خسارت چینی و اجرای فرامین مدیران را داشتند در واقع، مزد اعمال کثیف خود را دریافت میکردند. بعد از قیام، شورای اسلامی کارگران کارخانه این حق ویژه را لغو کردند. اما در اسفند ماه ۵۹ مدیران عامل کارخانه با ردیگری عده ای از فرمانها و کارمندان، حق ویژه پرداخت کردند است. کارگران علیه این اقدام ضد کارگری به مبارزه برخاسته اند. مدیریت عامل نیز برای ایجاد محیط مناسبی که در آن بهره کشی هر چه بیشتر کارگران ادامه داشته باشد با همکاری ارکانها و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی جواختنای جمع عمومی که حق مسلم کارگران است جلوگیری میکند. اما کارگران مبارز کمپیدرو در این مبارزه هیچگاه تسلیم نخواهند شد آنها مضمینند با مبارزاتی متحد و یکپارچه و با متشکل شدن در کمیته شورای انقلابی، هر چه پیگیرانه تر به مبارزه ادامه دهند.

گزارشی از اعتصاب در کارخانجات پارس الکتریک

کارگران مبارز کارخانجات پارس الکتریک از روز شنبه برای دریافت حقوق سود ویژه دست به اعتصاب زدند. مبارزه - متحدانه کارگران هنوز ادامه دارد. اعتصاب در روز شنبه از بخش قالب سازی کارخانه تهران شروع شد. سپس قسمت پوشیها به اعتصاب پیوست. اخیراً اعتصاب کارخانه تهران در کارخانه کرج هم پیوست. کارگران کرج نیز که خواهان افزایش دستمزد بودند همبستگی و پشتیبانی خود را از کارگران کارخانه تهران اعلام کردند. روزیکشنبه ابتدا یکی از خط های تولیدی در کارخانه کرج دست از کار کشیدند اما روز دوشنبه اعتصاب تمام کارخانه کرج را فرا گرفت. کارگران از هر خط تولیدیک نما بنده انتخاب کردند تا برای مذاکره با نمایندگان کارخانه تهران روانه تهران شوند و سپس در یک مجمع عمومی مشترک عمومی ترین خواستهای خود را اعلام دارند. روز سه شنبه مدیرین کارخانه اطلاعیه ای مبنی بر تهدید به اخراج کارگران اعتصابی ما در می کنند. کارگران متحدانه به دفتر مدیریت میروند، مذاکره به نتیجه ای نمیرسد. مدیریت کارخانه به نگهبانان دستور میدهد که مانع خروج نمایندگان کارگران

شوند. احمن اسلامی کارخانه ها همکاری - گروه های سازشکار را تمام قوا صالی خود را برای درهم شکستن اعتصاب کارگران تشدید میکنند. کارگران دست به تشکیل یک مجمع عمومی میزنند. آنها تصمیم میگیرند تا نمایندگان خود را برگزینند. مرخصی برای مذاکره تهران بفرستند. کارگران حمایت میدرخ خود را از نمایندگان خویش اعلام میدارند. عوامل مدیریت به قسمتهای مختلف کارخانه سرک می کشند. و از تکنیک کارگران در مورد اینکه سرکار میگردند یا نه، استوالاتی میکنند. با داران مانع ورود نمایندگان کارگران کارخانه کرج به داخل کارخانه تهران میشوند، یکی از نمایندگان توسط پاسداران کارخانه دستگیر میشود. کارگران اعتصابی کارخانه تهران با اتحاد یکپارچه خود نماینده کارگران کرج را از چنگ پاسداران سرمایه آزاد میکنند. در کارخانه تهران نیز کارگران نما بنده کار خود را از اعتصاب میکنند. در طول اعتصاب نمایندگان سازشکار شورا ابتدا از حضور در بین کارگران خودداری میکنند و سپس وقتی نمایندگان می آیند که با ایجاد تفرقه و دو دستگی مانع ادامه مبارزه کارگران شوند. اما کارگران با اتحاد یکپارچه خود این هدف آنان را منجر به شکست میکنند. اعتصاب تا پایان روز چهارشنبه ادامه مییابد سپس کارگران کارخانه کرج قطعنامه ای تهیه میکنند و با تشکیل مجمع عمومی، این قطعنامه به

مبارزه کارگران کارخانه قند سازی پارس آباد برای تشکیل شورا

کارگران کارخانه قند سازی پارس آباد که برای ایجاد شورای خود مبارزه میکنند با نیرنگهای کارفرما و سرکوب پاسداران سرمایه مواجه شده اند.

خبرهای کوتاه از گروه صنعتی کفش سازی بلا

در هفته گذشته، رئیس انجمن اسلامی کارخانه بلا ز کارخانه اخراج شد. رئیس انجمن اسلامی این کارخانه که به عنوان یک عنصر سرسپرده و جاسوس در میان کارگران شهرت داشته بوسیله یکی از کارگران افشا میشود که این شخص قبلاً در یک واحد دیگری اتهام دزدی اخراج شده بود.

از او آخر سال ۵۹ کارگران این کارخانه تلاش برای ایجاد شورای خود را آغاز کردند و وقتی با مخالفت مدیریت روبرو شدند، دست از کار کشیدند و به اداره کار روسیه با پاسداران شکایت بردند. اداره کار روسیه برای تشکیل شورا سه شرط زیر را قائل شدند: ۱- اعضای شورا نباید بیشتر از دو نفر باشند. ۲- تمام مشحمت کارکنان باید در اختیار اداره کار روسیه باشند. ۳- فعالیت شورا تحت نظارت آنها انجام پذیرد. کارگران که از تحریم مبارزاتی سر

برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)

هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم

دولت حامی مستضعفین! فقط حرف میزند

اهالی را ترسند بود. خون در او اسل
ما اس حکومت را حکومت مستضعفین
می بندها سیم، و بدون آنکه خودمان
مستغما " دست نه مضارده، مکن
برسم، بنیبا، با مدارسی ما مدبا اما
اهالی به ساد مکن و مستضعفان و
کمینه ها، بی موسم و باغای مکن
می کردیم، اما بعدا " فهمیدم که اس
با به ها و خواجس های خودی اس اس
حکومت عملا " کاری برای ما رحمکسان
انجام نمی دهد. می با خود مکن
کاری می کردیم. زمان سال
فصل را به سنی ارضی کدرا بدیم که
با زما هت خاکمب را سهرسا جسم،
فصدا ز اس ترا بود که بعدا ۱۲ اسفند
آ نسال دولت به دلیل بدهی، آب و برق
ما را قطع کرد، مبلغ بدهی ۱۵ هزار تومان
می شد، به اداره سرق رفتم، متلوم شد
کد حکومت مستضعفین آنکارا ارضی
و عده های او اسل حکومتی زده که گفته
بود مستضعفین ما بدول آب و سرق
بدهند. به حال در اداره سرق
کفسم ما بول بداریم، ما مستضعفیم، اما
به ما گفتند ما بدهی ما را بدهند،
چون مال ست المال اس، کفسم، مگر
ما جز مردم مستضعفیم، که به ما آوردند که
برای جمان در سیران ما بدها سیم و ما
گفتند که ما بدیرو بد در روستا سیران
کتا ورزی کنید، ما کفسم، سیران ۲۰ -
سال اس که در سیران زندگی می کنیم
ضمنا " اس یک بهانه اس خون به آنها
شبهه در صفحه ۱۴

یکی اساکسان کاروان سیرانی در
حسا ن اسیران، با صدای برای ما فرساده
اس که در آن اس مکتلات و سخی های
زندگی ساکسان رحمکسان اس کاروان سیرا
صحت سده اس. سخن های اس با صدی
مزور را در زبانی خوانید:
" در حوالی حسا ن اسیران کاروان سیرانی
واقع اس که سیران اسیران اسیران
می گذرد. من به اسفاق ۸۵ س دیکر که
سفریبا " ۲۲ خا نوار می بود، در اس سیران
کاروان سیرانی می کنیم، اسعلبا اهالی
اسنجا کار کرسا حما می، با نوا ورا اسنده
هسته، اسنجا دوظیفه اس که در وظیفه
با ناس، زما می کا و و کوفعتن کهداری
می کردند، ولی مد سنا ست که هرد وظیفه
آن محل سکونت اسنا سنا اس که با
مفرو فلکات و بد سخی زندگی می کنند.
اسن کاروان سیران اسنجا یک سیرا آت
دارد که همیشه در آن سلوغ اس و برای
اسناده از آن سف سنا اند. اسل
سا کسان خانه های ما و در محل زندگی ما
حاجی سا زاری هسند، و در نهایی کاروان سیرا
برای اس که کمک خرج زندگی سیران
با شد، در خانه، اس حاجی های کردن
کلفت، رختسویی و کارهای دیگر می کنند
ار اسن روسیران اسنا دست در دو کمر در
دارند.
اهالی اسنا که زندگی سخی را
کدرا اده سوند، با به های مردم در انقلاب
سرکت کردید با رژیم روی کار سیرا بدکه
خوا سنا سنا را سیرا آورده کند.
و عده و وعید های حکومت جدید سخت



نامه يك کارگر شهرداری به روزنامه کار

رفقای چریکهای فدائی خلق، من
یک کارگر سیوادی هسم ولی از یک نفر
با سواد خواهش کردم که اسن ما به را برای
من بنویسد، و من از شماره فقا خواهش
مکنم که اسن ما به را در روز ما مکه کار
منتشر کنید. در تا ریح ۵۹/۱۲/۲۵ سیرا
گرفتن حقوق و با داس آخر سال مرا حمه
کرده بودیم و تعداد هزار نفر در سال اس
منطقه ۸ واقع در هفت حوض سا رمک حوض
شده بودند. ما جمع سنا کسان از اول سال ۵۸
در آن شهرداری کار می کنیم ولی هسوز
بقول خود اسن کارگر فرار دای حساب
می آسیم با اس حال مرا حمه کردیم به
حاشی که سچ همیشه می گرفتیم دیدیم
برای هر نفر از ما فقط یک سچ نوشته اند
آنهم مبلغ هزار و هفتصد تومان تحویل
ما دادند. پرسیدیم آقا عوص اسنکه عیدی
و با داس آخر سال ما بدهیدا از حقوق
ما هیا نه ما هم سیم صد تومان هم کس
کرده اسید. در جواب گفتند کدوم عید، مگر
نمیدانید مملکت در حال حنگ اس. کارگر
ها که سشتر اسن پیر مرد بودند هر کدما ما
هشت نفر ما ثله و سنا سنا سنا سنا سنا
با ره صدای مرک بر شهردا رشا دادند. در
همین حال چند پسا سدا رو چندا فرسود
شهرداری حمله آوردند و در فرار دستگیر
کردند و سعی کردند که شخص ما را بکنند
و ما به شخص خودا ما به داسیم از اسعت
۰ اصبح تا اسعت ۳/۵ بعدا ز ظهر منتظر
ما ندیم و با سدا رها و افسر شهرداری در
بر اسما اسنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
با زسان چرب سیرم ما را راضی به هسا ن
چک هزار و هفتصد تومان کندولی ما محروم
ها پیش خود ما حساب می کردیم که سنا
هزار و هفتصد تومان حتی نمیتوانیم
برای سچها یمان یک دست هم لباس تهیه
کنیم. در اسن حال بود که معاون شهرداری
به جمع ما آمد و گفت سا کت با سنا سنا
تا با هم کتا سیرا سیم. افسر شهرداری هم
یک چیزی به گفته وی اسنا فکد کرد و گفت
بسی سنا شهردا رکل سیران مثل سنا
ا ما مزایده اس مگر شما ها نمیخوا هیده

که فردا صبح با سنا سنا سنا سنا
شهردا رشل اسنکه می خوا هدر سیرا سنا
عیدی و با داس بدهی بروید و فردا صبح
بنا سید. ما که فردا صبح مرا حمه کردیم
دیدیم یک مفدا رنا چیزی بعنوان سنی
مکن و سق حوا ربا رکه تا بحال حق سنا
بود و داده بودند ما دا دند و لکی از
عیدی و با داس خیری نبود و تا بحال
خیری هم سنا اس. و خود دوما دا سست
که جمعه ها کار را تعطیل کرده اند و سنا
که سینه میرویم سرکا ره ما ن کار حومه
دوبرا سیرده اس که مز دش را سنا سنا
و با ری رفقای چریکهای فدائی خلق
اسیران اس پیام و نا ما ما را در روز نامه
کار منتشر کنید تا مردم سنا سنا سنا
مزدوران سنا حلال الان سیریه فرماندهی
خودا دا مه میدهند و خود اسن عسیدی و
با داس خوبی دریافت میدا سدا و سق سا
رحمتکسان ضعیف را با لا می کنند
با تقدیم احترام

وی احترام بکذا ر بدوا روی اطاعت
کنید، اسن شعارها سنی چا اس مرک سیر
شهردا ر کفمن ها سنی جدیدا سنا سنا
مبلغ را یک سیرا دست از اسن سچ با ری
بردارید. ولی رفقا اکرا اسن زا لومفست
های مفسخوا ر رژیم جمهوری اسلامی اکرا
انصاف دا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
۶۰ الی ۷۰ ساله رحم می کردند و اسنکه
سنا می گفتند که سنا ما عدا انقلاب هسید و
اکرا رژیم جمهوری اسلامی اسیران
سخواست حق کارگران را بدهد و خون
شهرداری رحمکسان اسیران را ز سیرا له ولورده
کنند با ردیگر سنی آ مد که هسا ن شهردا رهای
سا سنی را که با رحتی زیر زمین هسا ن
رحمتکسان را بر سر روی سچهای زحمکسان
خراب کرده بودند و چند سنا سنا سنا
را با دستور اسن شهردا رها کتند بودند
دیگر با رکه به اسنا مقام سنا دند و حتی
مقا سنا را با لاهم سیرا سنا سنا سنا
آنا سنا رو شده اس دست رژیم جمهوری
اسلامی برای ما کارگران سنا سنا سنا
دیگر رو شده اس و دیگر در هسا ن روز ما گفتند

باید با استخدام کارگران بیگانه بساط "اضافه کار اجباری"
در کارخانه ها برچیده شود



تیمت دوم

بررسی و تعطیلی از جنبش کارگری در دو سال گذشته

الف - روند جنبش کارگری پیش از جنگ:

با شروع سال ۵۹ طبقه کارگران - تجارسی فراوان و گرانها با رذکرها به میدان مبارزه میگردید. کارگران در دیدگی روزمره خویش با کسب آگاهی و تجربه در مبارزاتشان و در طول یکسال حکومت رژیم جمهوری اسلامی تا حدودی در سبقت نهادند که راه کسب خواسته‌هایشان را با بددراکاه به نیروی خود و عمل مستقیم و انقلابی محسوس نمایند. از آنسوا در همان ابتدای سال و از اولین روزهای شروع کار در کارخانه‌ها مبارزات کارگری آغاز میگردید. این مبارزات در طول فروردین و اردیبهشت ماه شکل خود بخودی و پراکنده جریان می‌یافت.

در کارخانه‌های پارس و پشم و سو در تبریز با اعتصاب کارگران برای دریافت باقی مانده سود و بزه و تعطیلی پنجشنبه شکل می‌گرفت. کارگران یکفشار ملی برای ۴۵ ساعت کار در هفتاد و یک ساعت می‌کردند. آنها با عمل مستقیم، با تیرک کار و مدیریت را به عقب نشینی و اعتصاب می‌راندند. در کارخانه ایران تا سی و نال تعداد ۴۰۰۰ نفر از کارگران برای تعطیل پنجشنبه به نظاهرات در کارخانه میردا زندک به نیروی بسی انجام داد. کارگران نیز راهای عمومی برای استفاده رسمی تخمین کرده و کارگران حترال متورز که خواهان طرح طبقه بندی مساعلم میباشند از خروج تولید جلوگیری می‌کنند. هر چند که به نتیجه ای نمی‌رسد. کارگران مبارز کارخانه سیمکو با بکارگیری اشکال گوناگون مبارزه از جمله اعتصاب، سود و بزه را طبق طرح اتحاد شوراهای کیلان دریافت میکنند. کارگران منابع فولاد در ادا مه مبارزات را پیگیری می‌کنند. برای باز کردن کارگران از اجرائی مبارزات خارج فراد بر سر پرده و ضد کارگری و ملی کردن صنایع فولاد به نظاهرات پرشکوهی در اهسواز دست می‌زنند. در کارخانه ترانس پیک کارگران یک مهندسی ضد کارگران را اخراج می‌کنند. مبارزه تا درگیری با ژاندارمری ادامه می‌یابد که با مقاومت یکبارجه کارگران پیروزی می‌رسد. در چند کوره پرخانه نر برای افزایش دستمزدها اعتصاباتی صورت می‌گیرد.

همچنانکه می‌بینیم مبارزات کارگران هر چند گسترده‌ی مبارزات اعتصابی را نداشته و اکتفا پیدا کرده، اما هنوز نسبتاً وسیع جریان دارد. البته برخلاف اعتصاب‌ها که خواست واحد و عمومی چون سود و بزه اعتصاب کارگری را رسمی

انگیزد، کارگران با مطالباتی گوناگون به مبارزه زو می‌آوردند. در روز تعطیل و ۴۵ ساعت کار در هفتاد و یک ساعت می‌کردند. اعتصاب‌ها مسئله در مبارزات کارگران نما می‌رسد. اشکال مبارزه کد کارگران در این مقطع بکار می‌گرفتند. اعتصاب، در کنار آن محسوس و نموده‌های در جلوگیری از خروج پول نقد مساعلم و غیره اشکال فاشی مبارزه چون مراجه به وزارت کار و غیره ...

حتم مخورد. در این مقطع شکل عمده کارگران - شوراها بوده و رهبری اغلب مبارزات را شوراها با انقلابی معده دارند. با توجه به این شوراها در پیرویه مبارزات کارگران و مخصوص تقویت آنها در اخرا سال پیش این ارگانها می‌توانند پیش از پیش در میان کارگران با بگه بوده‌ای کسب کرده و اعتسار بیا سدد در مجموع قدرت - شوراها افزایش می‌یابد.

مجموعه مبارزات کارگران و اشکال مبارزاتی آنها خود می‌توانند جهت کارگران برای سطح نسبت به تثبیت می‌یابند. در واقع بوده کارگران در بطن تحولات جامعه، در پیرویه مبارزاتشان و با کسب تجربه و آگاهی تا میزان معینی به ما هست. ضد کارگری حاکمیت و مخصوص حزب جمهوری اسلامی، با توجه به عملکرد گذشته آن پی برده و پیش از گذشته از آن رویگردان می‌شوند.

بورش و حشیا نه به شوراها

در چنین شرایطی که مبارزه جوئی کارگران به همراه مبارزات گسترده سایر اقشار و خلقها، با ما بحران اقتصادی ... رژیم را به بکارگیری سیاست سرکوب لگام گسیخته و ایجاد می‌دارد. یورش گسترده به آزادی‌های دموکراتیک در اردیبهشت ماه به سیاست حزب جمهوری اسلامی منتهی می‌گردد. در این سیاست مبارزات آنها و سرکوب آنها نتواند آغاز می‌گردد. یعنی در پیچمدان این حرکت سرکوب کارگران کشته و زنده‌های آنها آگاه‌ها به حنا با می‌کشد.

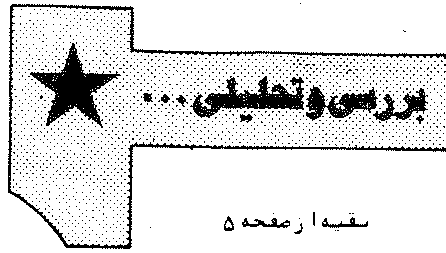
این حرکت از همان ابتدا علاوه بر مطالبه کارگران بیشتر با مخالفت عده‌ای از کارگران منتهی می‌گردد. نتیجه کارگران اغلب بدون لحاظ مخالفت خود را اشکارا بیان نمی‌دهند که تسلیمات می‌رسد. مدتی است که کمونیستها با بحسوسا مان بافتن اوضاع و تثبیت دولت نه‌اند، آنها نرا می‌فریبند، اما ما گذشت زمانی کوتاهی ما هیت این حرکت را برای شوره کارگران

سرا بکار می‌یازد. بدستال بورش وسیع به آزادیهای دموکراتیک، حمله سازمان یافته و گسترده به شوراها آغاز می‌گردد. خواختنا قسری در کارخانه‌ها و احسکورد، انحنه‌های سلامی بعش از پیش در سبقت سبهای ضد دموکراسی و ضد کارگری فعال میشوند. موج اخراج کارگران آگاه و پیشرو آغاز میشود. در مواردی ساداران برای کوب شوراها و توده کارگران وارد میدان میشوند. بدینترتیب از اردیبهشت یورش گسترده رژیم جمهوری اسلامی به شوراها شروع میشود.

شوراها در تبریز و اولین هدف رژیم قرار می‌گیرند. در کارخانه ماشین سازی اطلاعاتی ایوب سیله فرا دو ایست به انجمن اسلامی و با نام کارگران و پیرو خط امام و با محتوای حمله به شورای کارخانه پخش میشود. پس از آن عده محدودی در کارخانه علیه شورا را همیما می‌کنند و بدینسال آنها ساداران به همراه دادستان انقلاب به کارخانه یورش برده و دفتر شورا را مهز و موم می‌نمایند. در پی این حرکت بورش به شوراها یتر اکتور سازی، لبقث تراک، سمیران و کمیدرو نیز سازمان می‌یابند که در پیرویه آنها انحلال آنها می‌انجامد. در تمام کارخانجات زمینه عینا اعتراض وجود داشته و کارگران به این عمل معترض بودند، بطوریکه مقاومتها پیراکنده ای نیز صورت می‌گیرد. لیکن درست در همین مقطع یورش رژیم را است حاکم بر سازمان که کاملاً خود را نمایان ساخته، با سیاست سازش طبقاتی به عالمی مهم در جلوگیری از حرکت کارگران بدل میشود. بدینترتیب "اکثریت" با اولین کارمهای کاملاً آسکار و عملی خود، با مومکبری سیفینی در برابر این یورش، عملاً کارگران پیرو را خلق سلاح خسته و مانع تبدیل اعتراضات پراکنده به مبارزه ای یکبارجه و وسیع در مقابل سرکوب دستا وردهای دموکراتیک قبا مگشته و توده کارگران را به مسلخ بورژوازی میکشاند.

بهره گیری از زمینه عینا اعتراض، سازمان دادن مقاومتها پیراکنده و ارتقاء نتیجه در صفحه ۶

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است



نقشه از صفحه ۵

از تعطیلی کار و اخراج دسته جمعی را پیش میبرند.

در این دوره کارگران هر چند محدود شکل دیگری از مبارزه یعنی اخراج مدیران و کنترل کارخانه را نیز بکار میگیرند. این شکل که در اسنادی قیام بعثت قرار میگیرد و سرمایه داران بکار گرفته می شود، با هدف دیگری یعنی کنسار گذاشتن آنها در موارد معدودی در مبارزات کارگران دیده می شود. اما عموماً این حرکت پس از مدتی کوتاه با بیخوشی و حتی به رژیم مواجده و بدست می آید. تجربه مبارزات کارگران و وضعیت عینی و ذهنی نشان می دهد، که مجموعه شرایط برای پیروزی این تاکتیک مناسب نبوده است.

در تهران کارگران کارخانه ناطمی و صنایع الکتریکی آلبرز به مبارزه علیه مدیریت پرداخته و با اخراج مدیر خود کنترل کارخانه را در دست میگیرند. در اصفهان در کارخانه نجات صنایع پشم و دیسمان کارگران با اخراج مدیر کنترل را بدست گرفته، لیکن در تمامی این موارد حرکت کارگران به نتیجه ای نرسید. در کارخانه تراش بیک تهران کارگران مبارز خواستار اخراج یک مدیر گشته و با اتحاد مبارزاتی خویش موفق به تحقق آن نگردیدند.

۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل مورد دیگر بخشی از مبارزات کارگران را تشکیل میدهد. در کارخانه ن - او - واک قزوین، شوافرم، تراش بیک، ارج در تهران و توشیای رشت کارگران با اقدام مستقیم به ۴۰ ساعت کار معطل می یوشانند. در صنایع الکتریکی البوز و کارخانه پارس مثال در رابطه با ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل اعتراض و مبارزه گسترده ای در میگیرد.

در شهر یورلوفون سوادیسزه و تقلیل آن به دو ماه با داش از سوی رژیم مورد اعتراض تمام کارگران قرار میگیرد ولی حرکت سرسری بر نمی تازد. کارگران صنعت چاپ طی تظاهراتی مخالفت خود را با لغو قانون سوادیسزه اعلام داشته و خواهان شرکت نمایندگان کارگران در تدوین قانون کار میشوند. کارگران گروه صنعتی شهر، قیام، روغن نباتی جهان و گروه صنعتی سایپا در تهران برای دریافت سوادیسزه به مبارزه میپردازند.

همچنین مبارزه برای افزایش دستمزدها و تحت عناوینی چون طرح طبقه بندی، حق تولید و ... بشکلی پراکنده جریان دارد. در کمیته سوزای قزوین کارگران برای اجرای طرح طبقه بندی دست به اعتصاب زده و تهدید به جلوگیری از خروج تولید می کنند. در ایران گساز آبادان کارگران پس از مبارزه ای پیگیر برای اجرای طرح طبقه بندی میباشند و دریافت سوادیسزه به برخی خواسته هایشان میسرند. کارگران واحداستان در کفش ملی پس از اعتصاب و تهدید به جلوگیری از خروج تولید، حق تولید را بدست می آورند و ...

نقشه در صفحه ۱۶

بین دولتهای ایران و عراق با مبارزات روبه اعتدالی کارگران نیروی هوایی.

در کناره رورش سراسری به شوراها و انجمن آنها موضوعی از اخراج کارگران نیرو آغاز میشود. انجمنهای اسلامی در بیشتر این امر بیشتر نقش را بعهده میگیرند. از این پس تکلیف بین این انجمنها و نوده کارگران بسیار عمیق گشته و آنها را به ارکانهای سرکوبگر رژیم خود را در کارخانه ها نمایان میسازند. اما نوده کارگران به مقابله با اخراج میپردازند. از این پس مبارزات دموکراتیک کارگران برای بازگرداندن کارگران آگاه و پیشرو و مقابله با اقدامات ضد دموکراتیک و ارتجاعی انجمنهای اسلامی هموار میباشی. مبارزه طبقه کارگران تشکیل میدهد. کارگران - اشکال گوناگون مبارزه را در پیش میگیرند، ولی بطور کلی در بازگرداندن اخراجیها کمر موفق هستند.

کارگران شرکت لایکو در لاوان، کارگران کارخانه سیمان روی پوش رشت در اعتراض به اخراج کارگران پیشرو از صدور قطعنامه تا تهدید به اعتصاب به مقابله میپردازند. کارگران مبارز را بر بریلان در هوازدست به اعتصاب میزنند. در کارخانه نجات صنایع دفاع از جنه با طریسان، صنایع هوا پیمانی، پنجا، پارچیرو ... و بسیاری دیگر از کارخانه ها کارگران به اشکال گوناگون به مبارزه برای بازگرداندن کارگران اخراجی روی می آورند. در کارخانه کشف کارگیلان کارگران با عمل مستقیم ۲۶ کارگر مبارز اخراجی را بازمیگردانند که با دخالت پاسداران سرمایه این حرکت به شکست می انجامد. در تبریز در کارخانه نجات ماشین سازی، تراکتور سازی، لیفت تراک، کمپوز به اشکال گوناگون از جمع آوری طومار تا تظاهرات در خیابانها نوده کارگران حمایت خویش را از دوستان مسسارز

اخراجیشان اعلام داشته و خواستار بازگشت آنها بسرکار میگردند و ...

تداوم بحران اقتصادی، عدم سوددهی و ... سرمایه داران را در رود و ولتشان را بکسسه تعطیل یا راهی شرکتها یا ختمای می و میدارد. اما کارگران که در برابر این عملتها فروگرسنگی را روی خویش می بینند در مقابله با آن به مبارزه میپردازند. در خوزستان کارگران پرسیزون، دی و گیل در دستان، عمرانی و ساختمانی شهرداری مسجد سلیمان، در اصفهان کارگران ساختمانی پلیا کریم و شرکت گسترش مسکن، در شیراز کارگران شرکت های زمینه، کاما و شاترن به اشکالی متنوع از تظاهرات، تحمن، گروگانگیری میبرند و ... مبارزه برای جلوگیری

آن حتی در یک کارخانه بیشک گسترش آن در سایر کارخانجات و مناطق گردیده و به رشد تربیت سیاسی پرولتاریا و ارتقاء آگاهی طبقه تیش می انجامید. در چنین شرایطی حتی اگر به سبب عملکرد ناسب قوای طبقه تیش، ضد انقلاب موفق به سرکوب شوراها میگردید، کارگران در پیرویه بعدی مبارزاتشان هر چه سریعتر به تشکیل شوراها پرداخته و کارخانه ها را از موضع انقلابیگری برخوردار می کنند. اینچنین است که بی اعتقاد دی پورتونیس را است به نوده ها، بندوبست با حاکمیت، نئی مبارزه طبقه تیش و عدم مبارزه قدرت دورا ناسا طبقه کارگر ضربه سنگینی بر مبارزات پرولتاریا وارد می آورد.

در پی حمله به شوراها و کارخانجات تبریز، اتحاد شوراها در گیلان آماج بصدای رگانهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی قرار میگیرند و از هم پاشیده می شوند. مقاومت نوده کارگران، بخصوص کارگران مبارز کارخانه پوشش بدلیل فقدان مقاومت متحدانه شوراها و غیره راه بجای نمیبرد.

شورای عالی صنایع دفاع، شوراها، سازمان گسترش و توسعه زیکشور، کارکنان شوراها، شرقی، شوراها، صنعت نفت، هوا، شوراها، آهنگ تبریز و ... غیره با توطئه های گوناگون، به روشهای مختلف و با بکارگیری شیوه سرکوب موردتهاجم قرار گرفته و تعدادی منحل و یا زرد میگردند. همات به تشکلهای انقلابی دیگر در کارخانه جات نیز صورت می پذیرد. از جمله سندیکا انقلابی کارخانه ساکا و ... غیره منحل میگردند.

رژیم جمهوری اسلامی همراه با سرکوب شوراها، سیاست از محتوای انقلابی، نهی کردن شوراها و ایجاد شوراها، زرد و فرمایشی را نیز در پیش میگیرد. حزب جمهوری اسلامی با تمرکز نیرو و تقویت "گانون هماهنگی شوراها" اسلامی این امر را پیش میبرد. در همین مقطع بنی مد رتسین جمهوری سیاست "شورای شورا" عملاً دشمنی خود و دیگر لیبرالها را با کارگران، منافع، خواسته و تشکلهای انقلابیشان به نمایش گذاشته و در کنار حزب جمهوری رود روی طبقه کارگر قرار میگیرد.

سران رژیم به خیال خویش قصد داشتند با این تنها جمیع زمان یافته و گسترده جنبش کارگری را دچار رکودی طولانی ساخته و بمبارانی کاملاً انقلاب را به شکست بحران اقتصادی و نیز بحران سیاسی مبارزات کارگران با استفاده از تظاهرات هم چنان ادامه می یابد. این مبارزات هر چند پراکنده و بدون پیوند سراسری، اما بشکلی گسترده ادامه می یابد. اما رتسین شده از مجموعه اعتصابات و اعتراضات طبقه کارگر در طول ماههای خرداد، تیر، مرداد و شهریور به روشنی نشان میدهد که مبارزه وسیعاً جریان داشته و در طول ماههای مرداد و شهریور گسترده تر میگردند. بدین ترتیب به نارضو و جنگ ارتجاعی

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشنهاد مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

تصویری از لایحه قصاص

بقیه از صفحه ۱

پا و کور کردن چشم و زدن گوش و شلاق زدن و... که همه اینها باید در ملا عام انجام گیرد، شکل قانونی بدهد. زیرا همه دیده بودند همین اقداماتی که تاکنون انجام گرفته تا چه اندازه مورد تنفروا اجرا شده ها بوده و حاکمیت هم بغمی نفمی از بسفل آن نگذاشته است.

اما پس از آنکه دولت ادعا کرد که چنین لایحه ای وجود دارد و حتی هیئت دولت پس از تصویب آن رای مجلس داده و بعدا هم بخشهای بعدی آن یعنی قصاص عضو و مقررات حدود را برای تصویب به مجلس تقدیم کرده است دیگر ناپاوران هم بخود آمده و اکنون مردم در ابدا دوسه پی دارند به موافقه پی میبرند. واقعیت اینست که لایحه ۱۹۹ ماده ای قصاص که اکنون در کمیسیون قضائی مجلس در شرف تصویب رسیدن و شکل قانونی یافتن است، بقدری ضد بشری و ارتجاعی است که بازگشت به دوران قبیله ای و بربریت را در انظار مردم مجسم می سازد. انسان درمی ماند بکجای این لایحه و بکدام ماده آن برخورد کند؟! حقیقت اینست که انسان بهر ماده ای از آن انگشت میگذارد بیکدنیا فاجعه است!

مادر شماره های قبل به تفصیل درباره مضمون و محتوای ارتجاعی این لایحه صحبت کردیم و بررسی بازتاب این لایحه را در جامعه و همچنین نتایج سیاسی - اجتماعی آن را به شماره های آینده - واگذار می کنیم. در این شماره برای آنکه شما کلی از بارزترین خصوصیات این لایحه را بدست داده باشیم این موارد را بصورت تابلویی ترسیم می کنیم:

موارد نقص حقوق بشری در

لایحه قصاص

- ۱- لایحه قصاص فلسفه مجازات را که باید اصلاح فرد و اجتماع را مد نظر داشته باشد به هیچ گرفته و اساس را انتقام جوئی فردی قرار داده است.
- ۲- در لایحه قصاص جنبه عمومی جرم بکلی نادیده گرفته شده و مجازات مجرم از حقوق ولی دم یا شاکی خصوصی دانسته شده است. این امر نشانگر بازگشت به دوران قبیله ایست (ماده ۱)
- ۳- این لایحه بدون اینکه به علت وقوع جرائم توجه کرده و در صدور جرم کردن علل جرائم برآید تنها هدفش از-

بین بردن معلول و مجرم است. ۴- لایحه قصاص جان انسان و اجزاء بدن او را قابل تبدیل و محاسبه به پول میداند و گرفتن خونیه "براین اساس است. این امر ماهیت طبقاتی این لایحه را در خدمت به سرمایه داران و مالکین با ثبات میرساند.

۵- لایحه قصاص با اصل قرار دادن اقرار برای اثبات جرم، زمینه اعمال شکنجه را برای گرفتن اقرار آماده میسازد. ۶- در این لایحه زن نصف مرد بحساب آمده و در موارد شهادت در قتل عمد "ملا" بحساب نیامده است. باین ترتیب که اگر مردی زنی را بکشد تنها هنگامی میتوان قاتل را قصاص کرد که خانواده زن نصف خونیه ای مرد را (که ملا) سبق مقررات شرع معادل ۴۰ شتر است) به قاتل بپردازد و اگر نه قاتل از مجازات معاف شده و فقط باید خونیه ای زن را بپردازد (ماده ۵)

۷- اجرای قصاص با تمکن و ثروت مندانی قاتل یا مقتول رابطه مستقیم داشته و اگر قاتلی ثروتمند باشد میتواند مجازات برده و اگر خانواده مقتول هم ثروتمند باشد قاتل "حتما" قصاص خواهد شد در حالیکه در مورد اشخاص فقیر و بی چیز مسئله کاملا برعکس است (مواد ۵ و ۸). این امر بار دیگر ماهیت طبقاتی این لایحه را بخوبی آشکار می سازد.

۹- در لایحه قصاص اگر آراء و جبار در قتل مانع قصاص نیست. بنا بر این اگر فرماندهی در یک نظام رنجانی به سرانجام دستور براندازی دهد و صدها نفر کشته شوند اگر روزی باین جنایت رسیدگی شود سرانجام که مجبور به اطاعت مافوق بوده اند با عداوت (قصاص) محکوم می شوند ولی فرمانده فقط به حبس محکوم میشود (ماده ۴).

۱۰- در لایحه قصاص فرزندکشی مجازات شده یعنی اگر پدر و جد پدری فرزند خود را (ولو پنجاه ساله باشد) بکشد از مجازات قصاص معاف خواهد بود. (ماده ۱۶)

۱۱- بموجب لایحه قصاص به بهانه دشنام به "پیا میروا تمها طهار و حضرت زهرا" میتوان افراد را کشت و از مجازات معاف شد (ماده ۲۳). این امر جنبه خوبی برای تمغیه های خونین مخالفان عقیدتی و کشتن مخالفین سیاسی و رواج تروریسم است در دو سال گذشته ما شاهد سوارد بسیاری از این توطئه ها بوده ایم.

۱۲- لایحه قصاص با دادن این حکم که در مقابل هر عضوی که از زمین میروید باید عضوی از مجرم را از زمین برد علاوه بر اینکه

حکم به یک جنایت تازه میدهد، بجای کوشش به اصلاح جامعه، فردی را به خیل طفیلی های جامعه افاه میکند: باین ترتیب پس از مدتی که از اجرای این قانون میگذرد یک سپاه معلول و ناقص العضو با مع تحویل شده که همگی انگل، طفیلی و سر با ز اجتماع خواهند بود.

۱۳- کار فضاحت لایحه قصاص با نجس می رسد که مقرر میدارد:

اگر فردی یک دست نداشته باشد و مرتکب جرمی نسبت بدست شخصی شود، یک دست باقی مانده او را قطع میکنند و اگر او را "دست نداشته باشد پای او را قطع خواهند کرد (ماده ۶۲). و یا در مورد مدینه به چشم اگر فردی فقط یک چشم داشته باشد آن چشم را هم کور خواهند کرد (ماده ۷۰).

۱۴- بموجب لایحه قصاص اگر فردی به چند مجازات محکوم شود بر خلاف قوانین همه دنیا (بنا بدیجر عربستان) که تمام مجازاتها اجرا نمیشود و شد آن اجرا میشود، تمام مجازاتها اجرا میشود. باین ترتیب که "هرگاه شخصی محکوم به چند مجازات باشد آن حدود را برترتیبی اجرا کرد که هیچکدام از آنها زمینیه دیگری را از زمین نبرد مثلا اگر به تازیانه زدن و به سنگسار شدن محکوم شد اول حد تازیانه جاری میشود بعدا " حد سنگسار (ماده ۱۱۰).

۱۵- در بسیاری از مواد لایحه قصاص نسبت به هموطنان غیر مسلمان تبعیض قائل شده و حقوق آنان را به نصف و حتی کمتر از مسلمانان تقلیل داده است. (مواد ۱۰۰ و ۱۵۱ و ۱۰۰۰) و در مواردی هم از ترس بی آبرویی و جلوگیری از اعتراضات داخلی و جهانی، بصراحت این امر را بیان نکرده است.

۱۶- بر طبق لایحه قصاص شوهر میتواند زن خود و فرزند دیگری را که با او بوده تحت عنوان اینکه آنها را در یک فراس مشاهده کرده بکشد و از مجازات معاف شود (ماده ۲۳).

۱۷- لایحه قصاص کسی که یک بیمار دیوانه را بکشد مستحق قصاص نمیداند (ماده ۱۸) و از این بابت چه سوء استفاده ها که نشود.

۱۸- بموجب لایحه قصاص سنگسار کردن مجازات رسمی و قانونی برای زنا شناخته شده و با تمام تشرفیات قرون وسطائی آن چه برای مرد و چه برای زن اجرا میشود (ماده ۱۰۰) لایحه قصاص رجم یا سنگسار کردن را باین شکل توفیق کرده است که "مرد را تا نزدیکی امروز را تا نزدیکی سینه در چاله ای قرار میدهد

آنگاه رجم میکنند. سنگها در رجم نباید خیلی بزرگ باشد که با رسیدن یک یا دو تایی از آنها شخص کشته شود و نباید خیلی کوچک هم باشد که نام سنگ بر آن صدق نمیکند" (حتما "سنگها باید با اندازه ای باشد که فالتزها و حبابهایی در رطوبات با بدن مردم می زیند و حتما با بدطوری باشد که فرد را شکنجه زیساد کشته شود).

بقیه در صفحه ۸

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

هرگونه تضعیف جنبش مقاومت خلق کرد حیانت به انقلاب است

بقیه از صفحه ۱

جمهوری اسلامی میتواند جنبش مقاومت خلق کرد را از پای در آورد. خلق قهرمان کرد طی دو سال مقاومت مسلحانه خود استوار بجای ایستاده است. دو سال تمام با مقاومت حماسه آفرین خود پوزه سرکوب - گران خلق کرد را خاک مالید. خلق قهرمان کرد در عمل حماسه آفرینی های خلق وینستا را زنده کرد و نشان داد که هیچ سلاحی را برای مقابله با اراده و ایمان خلق نیست. خلق کردهنگامی در مقابل رژیم ضد انقلابی حاکم ایستاد و سرسختانه دفاع از دست آورده های انقلاب برخاست که توده های متوهم سراسر ایران این رژیم را نشاید میکردند، اما امروز درست در حالی که بخش های وسیعی از توده های مردم پی به ماهیت ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی برده اند در شرایطی که توده های سراسری ایران زیر بار فشار رفر و گرسنگی، جنگ و بیکاری بمقابله با رژیم جمهوری اسلامی بر میخیزند در شرایطی که ناتوانی رژیم برای انبوهی از توده های مردم عیان میشود و تضادهای درونی آن بیش از همیشه عریان میگردد، در شرایطی که مبارزه قهرمان کرد با دشمنان دو سال مبارزه پیگیر و بیامان خود را پیچید و حقوق خلق خود را از موضع قدرت بگیرد. در چنین شرایطی است که ما تا هدیروز درگیریها و کشمکشهای میان حزب دمکرات و کومله هستیم که حتی تا مرحله درگیری مسلحانه نیز کشیده میشود و ما خبر آن را دو شماره پیش در نشریه منعکس کردیم. هیچکس نمیتواند انکار کند که وجود اختلافات و تضادهای در درون خلق امری عینی و اجتناب ناپذیر است. اما وجود هر تضاد و اختلافی نمیتواند تحت هر شرایطی منجر به درگیریهای حادث شود. واقعیت اینست که امروز خلق کرد در مقابل دشمن غمدار ستمگری چون رژیم جمهوری اسلامی ایستاده است. و این تضاد همه تضادهای درون خلقی را تحت الشعاع قرار داده است. اما درگیریهای حزب دمکرات و کومله در جهت تشدید تضادهای درون خلقی است. ما سؤال میکنیم که چه کسی از این اختلافات و درگیریها سود میبرد؟ آیا جز اینست که با تضعیف جنبش مقاومت خلق کردهنگامی رژیم جمهوری اسلامی است که بیشترین بهره برداری را خواهد کرد، آیا حزب دمکرات و کومله جواب خلق قهرمان کرد را چگونه میدهند؟ جواب خانواد هائی که تاکنون چندین شهید داده اند، جواب مردمی را که اینهمه سرکوب، فشار و محاصره اقتصادی را تحمل کردند، اما در مقابل

زورگوشیها و تجاوزات رژیم جمهوری اسلامی ایستادند چگونه میدهند، آیا میدانید که فردا خلق کرد در مورد شما چه قضاوت خواهد کرد. آیا میدانید که این درگیریها و تضعیف جنبش مقاومت خلق کرد، بر جنبش سراسری خلقهای ایران چه تاثيرات بیاری بر جای خواهد گذاشت؟ آیا میدانید که این امر بیش از پیش موضع رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی را تقویت خواهد کرد؟ کسیکه بمنافع خلق بیاندیشد، هیچگاه دشمن خود را بر روی این واقعیت نخواهد بست ما نه تنها از موضع منافع خلق تحت ستم کرد، بلکه از موضع منافع خلقهای تحت ستم ایران، از موضع جنبش انقلابی ایران، از موضع منافع طبقه کارگر، حزب دمکرات و کومله را مورد خطاب قرار داده و میگوئیم هرگونه درگیری حادث بر خورد هائی که منجر به تضعیف جنبش مقاومت خلق کرد شود، خیانت به خلق، خیانت به انقلاب محسوب میشود، و نه تنها شارب را بر خلق قهرمان کرد بلکه در برابر همه خلقهای ایران مسئول خواهد بود. ما بکار دیگر صرفا موضع خود را در قبال جنبش مقاومت خلق کرد اعلام کرده و میگوئیم امروز در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی بیش از پیش در ورطه بحرانهای اقتصادی و اجتماعی فرو میرود، امروز در شرایطی که مدام نارضایتی در سراسر ایران گسترش میابد و رژیم جمهوری اسلامی ناتوانی خود را در عمل نشان میدهد، در شرایطی که ایستادگی خلق قهرمان کرد برای توده های سراسر ایران اهمیتی بسیار عظیم دارد، نیروهای سیاسی شرکت کننده در جنبش مقاومت خلق کرد با پیدا اختلافات خود را بنحویت مسالمت آمیز حل کنند. با وظیفه خود میدانیم همانگونه که تاکنون فعالانه در جهت حل این اختلافات قدم برداشته ایم، باز هم منتهای تلاش خود را در این زمینه میذول داریم. وظیفهای که ما در قبال جنبش طبقه کارگر و جنبش سراسری خلقهای ایران بردوش داریم ایجاب میکند که نه تنها فعالانه در جهت حل اختلافات نیروهای شرکت کننده در جنبش مقاومت خلق کرد شرکت کنیم بلکه همین طبقه نیز ایجاب میکند که چنانچه حزب دمکرات و کومله در جهت حل مسالمت آمیز اختلافات خود گام بردارند ما آنها را در سطح جنبش افشا خواهیم کرد و مسئولیت تمامی تضامین و عواقب ناشی از تضعیف جنبش مقاومت خلق کرد را متوجه آنها خواهیم دانست.

تصویری از لایحه قصاص

بقیه از صفحه ۷

۱۹- لایحه قصاص کسی را که یکبار مشروب بخورد به حد ضربیه شلاق محکوم میکند ولی اگر کسی بجرم مشروب خوردن دوبار شلاق بخورد در مرتبه سوم گشته خواهد شد. (ماده ۱۳۴)
۲۰- شکل شلاق زدن هم بموجب لایحه قصاص مشخص شده است بدین ترتیب که " مرد را در حالی که ایستاده یا شلوپشاکي خن سا تر عبور نبوشیده باشد تمام بدن او غیر از سر و صورت و عورت تا زانو زده میشود ولی زن را در حالی که نشسته و لباسهایش به بدن او بسته باشد تا زانو میزنند. (ماده ۱۱۲ و ۱۳۰)
۲۱- لایحه قصاص اجرای قصاص و حدود را در ملا عام لازم میدانند و میگوید: " مناسب است که حاکم شروع مردم را از زمان اجرا حد آگاه سازد و لازم است عده ای از مومنین که از سه نفر گمشترو نباشند در حال اجرای حد حضور یا بنشینند (ماده ۱۱۳) .
۲۲- در لایحه قصاص آمده که اگر کسی بشخصی نسبت زنا یا لواط دهد هر بار ۸۰ - ضربه شلاق یا باورده میشود ولی اگر این عمل چهار مرتبه تکرار شود شخصی گمشته میشود (ماده ۱۹۲) .
۲۳- بموجب لایحه قصاص در تمام موارد فوق شیوت جرم بر حسب اقرار یا شهادت شهود محقق میشود و گاهی است دو یا ستادار یا ما مورکبیت یا با فائز و لوب و سد روغ - شهادت دهند تا زندگی و جان فردی در معرض تجاوز قرار بگیرد .
۲۴- لایحه قصاص معیارهای دوران قیلمای برای اثبات جرم یعنی اقرار و شهادت شهود را زنده کرده است .
۲۵- لایحه قصاص در موارد بسیاری حتی با قانون اساسی دست بخت حاکمیت هم تناقض آشکار دارد . لایحه قصاص اصول (در مورد تعهد دولت جمهوری اسلامی و مسلمانان نسبت به افراد غیر مسلمان که باید نسبت با آنها با اخلاق حسنه و قسط و عدل عمل نمایند و حقوق اساسی آنان را رعایت کنند) و (مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود) و (همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند) و ... را صراحتا " زیر پا گذاشته است، یک مسئله مهم اینست که مضمون و محتوای لایحه قصاص طوری است که هیچ دولت خارجی نمیتواند زیر بار مقررات این چنین قانونی بزرود بنا بر این اگر این لایحه به تصویب مجلس برسد و صورت قانون بگیرد واضح است که خارجیان برای تأمین حقوق اتباع خود تضامین اجرای کاپیتولاسیون را خواهند کرد یعنی قرارداد هائی برای تضمین حقوق اتباع خویش برای مصونیت در مقابل چنین قانونی میخواهند و این برخلاف اصل استقلال است که مردم ایران برای آن ایستاده فداکاری کردند و گشته ها دادند!

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

برآوارگان چه میکنند؟ گزارشهایی از اردوگاههای آوارگان

شادگان بینا هوا زوخر مشرف سزار گرفته وچندان فاصله ای باجهه سدهی دارخوین وماردندارد، بهطوریکه صدای نلیک نویخانه ایران وعراق بهوضوح شنیده می شودهراتفاجرزمین رامی لرزاند شادگان شهرکوچکی است ودرحدود ۱۴هزار نفرجمعیت دارد. این شهر ازاولیسن مناطقی بودکه آوارگان به آن پناه آوردند. بخصوص بدلیل نزدیک بودن به آبادان وخرمشهر وهمچنین به لحاظ اینکه ساکنان آن عمدتا "ازخلق عرب خوزستان هستند، زخمیکشان آواره به این شهر روانه شده ودرمدارس، لایسلائی نخلها وداخل کارها چادر وکپر برپا کردند. اکنون نیز زخمیکشان آواره خلق عرب ایران در بدترین شرایط درایسن منطقه مانده اند.

شادگان هنوز شکل ونظم یک شهرک رانداشتا هنگام تهیه این گزارش زیبا دولت می خواست آنچنان فشاری بر آوارگان اینجا وارد شود که به اجبار منطقه را ترک کنند. اما آوارگان با درغمت سختی ها ومصیبت های فراوانی که می کنند، با ماندن در شادگان وسربلزدن از پیشنها ذات دولت مبنی برترک منطقه، آشکارایی اعتمادی خود را نسبت به حکومت جمهوری اسلامی نشان می دهند. آوارگان ساکن شادگان می گویند "ما به جای دیگری نمی رویم به دولت اعتماد نداریم، چون اگر دولت می خواست کاری برای ما بکنند در همینجا میگردان" بر اساس آخرین آمار، رقم آوارگان ساکن در شادگان بالغ بر ۵۰هزار نفر است و هر روز هم این رقم افزایش می یابد. آوارگان در ۷ منطقه داخل شهر و همچنین در ۱۲۲ روستا، پراکنده اند. در هر یک از جا درها و کپره های کوچک حتی تا ۱۳ نفر زندگی می کنند. وضع بهداشتی بسیار بد است. توالت و ظرف آب و چادر و جای غذا پختن در فاصله های کمی سراز یک مترا هم قرار دارند. اطراف جا درها و کپرها پراکنده است به جا است. گرمای کشنده خوزستان زهم اکنون در اینجا آغاز شده است. پشه و مگس و گرد و خاک، و آب ناسالم سلامتی آوارگان را جدا تهدید می کند. در این شهر تنها دو مرکز درمانی نیمه مجهز وجود دارد. طبق آمار رسمی و اظهارات پزشک یکی از این مراکز، روزانه حداقل ۱۲۰۰ بیمار مراجعه می کنند که موارد بیماری آنها، اسهال و استفراغ، چشم درد، سوزش گلو و سینسینه است. این بیماریها عمدتا "از کثافت و گرد و خاک و سوء تغذیه ناشی می شود. همه



آوارگان جنگزده شادگان. در اینجا عمدتا "خلق ستمدیده و محروم عرب ایران در بدترین شرایط دوران اندوه بار آوارگی سیری می کنند. دهه دوم فروردین سال ۶۰

شادگان: اردوگاه بیکاری، فقر، بیماری... و اعتراض

گوشت که اصلا نمی رسد، پولش را هم نداریم که کیلویی ۵۵ تومان از سفارزه بخریم، مجبوریم نخوریم، این بدبختی اینجوری تمام نمی شود مگر اینکه جنگ تمام بشود، و ما برگردیم سرخا تنه، زندگیمان

چادرها برق ندارند، آب هم کم است، زنی آبستن در حالیکه ظرف سنگین آب را به سوی چادر محقرش می کشد در باره اوضاع واحوال آوارگی می گوید: "تخلی ها آمدند و ما صحبت کردند. ولی تا حالا هیچ کاری برایمان انجام نداده اند. شوهرم را رانده بیکار است، هفت تا بچه دارم یکی هم تورا ه، خیلی چیزها کم داریم، خیلی! اما اینها به گنا فقط یک کاری برای شوهرم درست بشود.

صحبت ها و دردها بسیار است، اکثر زنان آواره و مردها نیز، در وهله اول از بیکاری رنج می برند، و آنرا به عنوان بزرگترین مشکل خود مطرح می کنند، زیرا عقیده دارند که اگر کار رو در آمدی داشته باشند، به هر رنجی که شده می توانند زندگی را به چرخانند و برای این مقدار کمک تا چیز دولت که با تحقیر شدن و دوندگی زیاد به دستشان می رسد، به طرف دولت دست دراز نکنند. خستگی و افسردگی توام با انتظار خاتمه ی جنگ در روحیه ی تک تک آوارگان این منطقه آشکار است، آوارگان منتظر طرح هستند و می گویند با بد دولت جنگ را تمام کند. کارگر بیکار رمنی می گویند "تقریبا ۸ ماه است که بیکارم ما هفت نفریم، به ما نمی رسند، فقط آسمان و دعا داریم که جنگ تمام بشود."

این بیماریها هر روز و به تازید دارد. با رسیدن گرمای کشنده، خوزستان، آوارگان به پنگه، بغداد و حشره کش نیاز مبرم دارند. تعداد بیکاران بسیار زیاد است، بی پولی ناشی از بیکاری و عدم پرداخت مستمری از سوی دولت و ناچیز بودن کمکها و اوراق - ماهانه ۲ کیلو برنج، چهار کیلو آرد، حدود نیم کیلو گوشت برای هفت نفر - خانواده های آواره را شدیداً رنج می دهد. بنا بر شواهد روشن و مستند، نسا دوفخشا غالب از فرط فقر و گرسنگی - در میان آوارگان و در شهر راج شده است. آوارگان می پرسند این همه کمک مردم و حسابهای جورجا جور به نام آوارگان به کجا می رود؟ یکی از زخمیکشان عرب که مردمنی است فریادکنان با فارسی دست و پا نکتهای می گوید: "اینها کمک مردم را به ما نمی دهند، خودشان می برند، همیسن چند روز پیش چندکا نشینرکش و لباس وسیگار و چیزهای دیگر به اینجا آورده بودند، خودم دیدم که مسئولان وسایل را بین خودشان تقسیم کردند، به ما نمی دهند، امروز قسم کفش بگیسرم، برای خودم و بچه هام، ندادند، گفتند تمام شده، به کی دادند؟ زهمه بپرسید، کی کفش گرفته؟" همه کسانی که به حرف های این مرد گوش می دادند حرفهای او را تأیید می کردند.

پارک شادگان یکی از مناطق گناه آوارگان است، در اینجا آوارگان در چادر زندگی می کنند، وضعیت آنها اسفنا راست، یکی از زنان زخمیکش که در مدخل چادر مشغول غذا پختن است پیرامون اوضاع خودشان می گویند: "شوهرم کارگر شرکت بود، توخرمشهر از اول جنگ بیکار شده، اینجا هیچی نداریم، وسیله ی پخت و پز نداریم، چادرمان خراب است، هوا هم گرم شده و نمی شود زیر چادر زندگی کرد، دولت جیره می دهد ولی خیلی کم است.

بازار سیاه کوبین های دولتی!

در شادگان، وضع توزیع اوراق و - ما یحتاج عمومی مثل بنزین، همتا نند بقیه در صفحه ۱۲

از جنگ ارتجاعی زخمیکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

ماهیت واقعی "ملی کردن" تجارت خارجی

درودیوار خیا با نهی شهریوشی، از شمارهای گروههایی است که درباره فواید "ملی کردن تجارت خارجی" داد سخن می دهند. نویسندگان این شعارها به خیال خود می خواهند تبلیغ این خواستها در میان مردم، جمهوری اسلامی را "وادار به عقب نشینی" کنند. اما در این نوشته می خواهیم ماهیت واقعی ملی کردن تجارت خارجی را روشن کنیم.

نویسندگان این شعارها "توده ای" را معرفی کنیم، مخالفان این شعارها را بشناسیم، و "فواید" اجرای این طرح را برای توده های زحمتکش بشکافیم. یادآور می شویم که این قبیل فشارهای "توده ای" آنقدر زیاده بوده که دولت به تومیه شورای نگهبان قانون اساسی "مجبور" شده تا ۲۶ اردیبهشت طرحی در این باب تقدیم مجلس شورا کند.

ملی کردن تجارت خارجی، یا به قول صریح وزیر بازرگانی "دولتی کردن" آن چه هدفهایی را در راستای منافع کدام طبقات و اقشار تعقیب می کند؟ برای پاسخ به این سوال باید به تاریخ معاشرت دولتی با ایران اشاره ای کرد. می دانیم که تجار (عمدتاً) بازرگان (از موقعی که آهنگ صنعتی کردن ایران سرعت گرفت، با کندی و اکراه و ناتوانی خود را با مقتضیات این تحول همراه میکردند. نهادها و نظایر "اتاق بازرگانی" و بعدها "اتاق صنایع و معادن" و بازرگانی و وظیفه داشتند همراهی و هماهنگی و بالاخره متابعت سرمایه تجاری را نسبت به سرمایه صنعتی تا مین کنند. با این وجود تجارت سنتی به طور اساسی در حالتی پراکنده، نامنظم و پرهزینه باقی ماند و این با خواست سرمایه صنعتی تطبیق نداشت. بورژوازی صنعتی می خواست در تجارت خارجی و داخلی تمرکز پیدا کند، از کثرت نامتناسب و غیر ضروری تجار و واحدهای تجاری کاسته شود، نظم و برنامهم بر تجارت حاکم شود، هزینه های گردش و فروش کالا کاهش یابد و بخشی از سرمایه که بی جهت در بخش تجارت تعطیل و متوقف مانده بود به حوزه تولید سرمایه برود. ضرورت استیلای سرمایه صنعتی مدرن این بود که سرمایه تجاری نیز از قوانین عام سرمایه تسعیت کند.

پس از قیام با نیروضعف سیاسی در بورژوازی صنعتی، قدرت سیاسی سرمایه تجاری افزایش گرفت و شرایط مناسبی برای بنسب قدرت اقتصادی تجار فراهم شد. در همان حال که تولید صنعتی و سرمایه گذاری صنعتی روبه کاهش می رفت، سرمایه های کوچک و بزرگ برای بکارانداختن سرمایه خود و اشتغال نمودن، به سبب انواع و اقسام معاملات تجاری و غالباً احتکاری زوی آوردند. روابط سرمایه صنعتی و سرمایه تجاری به زبان سرمایه

صنعتی دجا را اختلال می شد. نرخ سود تجاری با لایمی رفت و صنعت در حال افول و زوال بود. مانع از با خطر زیاده شدن دست یعنی افزایش تعدد در قمار و بروسودند. در چنین شرایطی وظیفه نمایندگان "عاقلی" سرمایه داری حکم می کرد که با رد بکریه هدف مورد نظر در نظام سابق، یعنی پیوند دادن میان سرمایه تجاری و سرمایه صنعتی بپردازند. زیرا عدم تعادل میان بخش های مختلف سرمایه و سلطه جویی سیاسی و اقتصادی سرمایه تجاری کل نظام سرمایه داری را به خطر می انداخت. از اینرو عقلائی کردن امر تجارت در دستور روزگار رنورژوازی و در متن قانون اساسی دست یخت مجلس خبرگان قرار گرفت. نگاهی به صورت جلسات مجلس خبرگان نشان می دهد که چه نیروهای (برجسته تر از همه: بنی صدر) با جدیت خواستار اجرای این اصلاح بورژوازی بودند و بعدها چگونه نمایندگان زیرک سرمایه تجاری متوجه شدند که از این طریق براحتمی می توان دست رقیبان مزاحم را از تجارت کوتاه کرد و انحصار را برپا کرد. در این میان نمایندگان سرشناس سوسیال - رفرمیسم دستاوردی کردند و برای این "پیروزی جشن ها برپا کردند، زیرا نقشه ای از این گونه در سر داشتند: بگذاریم تجارت خارجی در دست دولت متمرکز شود، بگذاریم حتی تا مدتی عده ای معدود از تجار بزرگ بر آن حاکمیت داشته باشند پس باید مانور "توده ای" آنها را از کار برمی داریم و تجارت خارجی "ملی" می شود!

می بینیم که نمایندگان عاقلان بورژوازی و سوداگران انحصار طلب دست به یکی کردند و با سلام و صلوات ملی کردن قانون تجارت را به عنوان اصل ۴۴ قانون اساسی به تصویب رساندند. در تقسیم کار

● وظیفه سوسیال - رفرمیستهای توده ای و اکثریتی اینست که از چشم و خروش توده ها علیه کلیت نظام سرمایه داری جلوگیری کنند و در حالی که "خانه زبانی بست و بران است"، در پی نقش ایوان آن باشند.

بین بخش های مختلف سرمایه دار، وظیفه ای که برگردن سوسیال - رفرمیست ها (یعنی در آغاز حزب توده و سپس سازمان جوانان آن یعنی جناح راست اکثریت) افتاد این بود که برای این ماده قانونی تبلیغ کنند و به این ترتیب نقش خود را به عنوان یاران صدیق و دورانندیشن بورژوازی ایفا کنند. به خصوص در شرایط کنونی نقش این کار تبلیغی با اهمیت می شود: گرانی و کمپانی بیداد می کنند و توده های مردم به انواع مختلف علیه این شرایط طغیان می کنند. وظیفه رفرمیست ها اینست که به مردم توضیح دهند: اگر

گرانی بیداد می کند و کالاهای مورد صرفه اساسی کمیاب است سطح تولید با شستن است و بیگاری زندگی میلیونها نفر را در آستانه فلاکت قرار داده، تقصیری متوجه نظام تولید سرمایه داری وابسته نیست. همچنین حکومت اسلامی سیزگه عاجزانه می کوشد نظام سرمایه داری را به شیوه های جدید سرپا نگه دارد. هیچ تقصیری ندارد، گناه این وضع صرفاً برگردن تجار و محتکران است و راه خلاصی از این وضع فلاکت را قانون اساسی حکومت اسلامی نشان داده: "ملی کردن تجارت خارجی".

وظیفه سوسیال - رفرمیست های توده ای و اکثریتی اینست که از چشم و خروش توده ها علیه کلیت نظام سرمایه - داری جلوگیری کنند و در حالی که "خانه زبانی بست و بران است"، در پی نقش ایوان آن باشند. از معجزات ملی کردن تجارت خارجی سخن بیاورند و به این ترتیب موافق با طبع و وظیفه تاریخی سوسیال - رفرمیسم، بدون آنکه به روی مبارک خود بسیاورند خواهان اجرای اصلاحاتی شوند که در واقع و در اصل به قصد وصله پینه کردن نظام از هم گسیخته سرمایه داری مطرح شده اند.

همچنین این تبلیغ هم در زمره وظایف سوسیال رفرمیستهاست که به توده ها نگویند که این عوامل قانونگذار و محری وابسته به حزب جمهوری اسلامی حزب سوداگران بزرگ هستند که با صقیلاً در راه اجرای مفاد اصل ۴۴ سنگ می اندازند و یا با پذیرش صوری آن، در عمل آن را به وسیله برقراری انحصار تجارت به نفع سوداگران بزرگ تعدیل می کنند. از اینبروست که در شعارهای رفرمیست ها، معلوم نمی شود که چه نیروهای ما هیئت" مخالف ملی کردن واقعی تجارت خارجی یعنی خلق پیدا سرمایه داران تجارت پیشه هستند. آنها که سوداگران بزرگ را به جای "خرده بورژوازی" به مردم قالب می کنند، مجبورند مراقتب باشند که این خرده بورژوازی با آنها قهر نکند.

ماضی مقالات مندرج در نشریه توضیح داده ایم که حزب جمهوری و ایادی آن می کوشند با سوء استفاده از عنوان ملی کردن تجارت خارجی، از امکان دستگایهای دولتی استفاده کنند، هزینه وارد کردن و موراداری را برگردن بوجه عمومی سینداژندوشا هدیه داده ایم که زیر سرپوش مراکز تهیه و توزیع کالا که فقط به طور ظاهری دولتی است، عملاً همان تجار بزرگ به کار سابق خود ادامه می دهند و سودهای کلان با ورنکردنی بردارند. بدین گونه سران حزب جمهوری اسلامی که از دیرباز با تجارت محترم در ارتباط بوده اند، با روشی "جوهیات شرعی" این آقایان محترم "گسزدان کرده اند، در عمل مواظب منافع تیرادران



ماهیت واقعی "ملی کردن" ..

شماره از صفحه ۱۰

درین "هستند و حتی موجباتی فراهم می آورند که سودهای اینان به ملک سر برسد. بدین گونه است که در سال گذشته دروازه های فکری و فکلیت بوده ها، بحار بزرگ ۱۲۰ میلیارد ریال (۲۰ میلیارد تومان سابقا) سود خیره کننده اندوخته کرده روزنامه کههان، مورخ ۱۳ آگوست ۵۹، سهم سرما به بحاری از در آمد ملی بیش از ۵۰ درصد بوده است. ۴۲ درصد را بزرگ آمد نصیب عمده فروشان شده است. به عبارت دیگر نصف درآمد مملکت نصیب ۲۰ هزار نفر ارباب محترم (به تعبیر آقای رحمانی) شده است. به هر یک و خود آقایان بحار مکسی و به ساری حکومت اسلامی بود که "بحار محترم" عمدتاً آن را به کیلوئنی ۱۲۰ تا ۱۵۰ ریال رساندند. در حالی که قیمت وارداتی آن کیلوئنی ۲۶ ریال بود. اینجاست که تفحص و موضوع سوسیال فرمیست ها و "تعمد طغیان آنها برای جلوگیری از ادامه مکتبگری مبارزه طبقاتی علیه نظم سرمایه داری اهمیت پیدا می کند. اما این باران بورژوازی مانوان خودشان هم با سواستدوارا سروس که جرات نمی کنند مخالفان ملی کردن تجارت خارجی را با هویت سازی - احمقانه واقعی شان معرفی کنند.

در اینجا باید احصا ریکوئیم که ما هرگز مخالف ملی شدن تجارت خارجی نیستیم. اما اره و ما هیت و واقعیات غیر قابل تنسیخ و به نوبه ها نیز توضیح می دهیم که این یک فرم (اصلاح) بورژوازی است و یک مونسینها یا نیکه رفیرمیست باید از فرم که حتی بدکی در وضع بوده ها به سودا جدا کند، دفاع می کنند. فرم دولتی کردن تجارت می تواند موجب سود که سرما به سادی به سمت تولید سوئی باید (البته ما آنجا که مبارزه طبقاتی امکان دهد و سرما به داران احساس "امنیت" کنند) و از این طریق نیروهای تولیدی تا حد ممکن در تجارت بورژوازی رند کنند.

اما هرگز ما بند بورژوا - رفیرمیستها و سوسیال - رفیرمیستها حسین تبلیغ نمی کنیم که این رفیرمیها در جهت "تعمق پایه های اجتماعی انقلاب" است. می می کوئیم ملی کردن تجارت خارجی حی اگر عملاً "مورب پذیرد یعنی نه جسدی واسطه های تجارت خارجی تبدیل شود و به صورت سرپوش دادا به غارتگری سوداگران بزرگ انحصارگر تبدیل شود، و بخصوص اگر همراه و توانم با کمسورل مردمی بر توزیع داخلی کالاها (اعم از این که کالاها یا حتی داخل یا بیابانها ساخت خارج) و کنترل مردمی بر قیمت کالاها باشد، قطعا "می تواند حدودی در کاستن از بارمفات سزده ها در یک نظام سرما به داری پیشرفته، موثر باشد، ما برخلاف سوسیال - رفیرمیست ها با یادآوری توم که طرح اسن کوسه خواسته های بورژوازی و حتی اجرای آنها چیزی نیست که مغایر با منافع سرمایه داری باشد. این رضا خان بود که در سال ۱۳۱۱ قانون انحصار تجارت خارجی را بنه

صوبت مجلس رسانند. ما گفته ایم که اسرا ملاحات - حدودی می توانند در بهبود وضع بوده ها نیز مونسرا اند. اما جان کلام در این است که این کرای، این بیکاری، این کمیابی کالا، هیچکس و نه، این حکومت نیست. هیچ حکومت و جامعه سرما به داری راسمی توان یافت که توده های رزمکنش آن به سویی بسا این مشکلات دست به گریبان نباشند. هر چند که جنگ ایران و عراق و محاصره، بمب بنداقتمادی بروخامت وضع رزمکنسان به سود سرما به داران افزوده، اما در رژیم گذشته سزنده ها تا کلکهای دیگر اسن بدیده های هم را در سرما به داری آسنا بوده اند. ارا سروس که ما برخلاف رفیرمیست ها به صراحت توضیح می دهیم که آنچه موجب فلاکت ذاتی و مستعد بوده ها می بود، خود اسن نظام سرما به داری است و نه عوامل فرعی آن. و ما موافقی که این نظام اقتصادی و نظام سیاسی همراه با آن سرکنده شود، بوده ها خلاص نمی شوند. کوئیم سنا می دانند که مشکل جامعه سرما به داری، در روابط تولید خا منسه سرما به داری است و نه در روابط توزیع و هرگز از اصلاح در روابط توزیع به حقایق سیرریناسی در روابط تولید دفاع نمی کنیم. اما سوسال رفیرمیست ها که از مبارزه طبقاتی و سسحه، آن هنراس دارند، از طرح مسئله اصلی، یعنی مسئله روابط تولید سرما به داری ظفره میروند و روابط توزیعی را مقرر معرفی می کنند. اسان به توده ها می گویند که اگر کالا کران است و کمیاب، به دست اغنیاسا می رسد و فقرا با حسرت از کنار آنها می گذرند، ارباب با این روابط تولید دارند و بدین گونه جوب زیر سفل بورژوازی با سوان می شوند.

رفیرمیست ها حتی در فرمیسم خود هم اصولی و سکنریستند. آنها با سمداند یا جرات نمی کنند برای توده ها توضیح دهند که تعداد واحدهای توزیع و چند دست کشتن کالاها در تجارت داخلی، اعم از آن که کالا در داخل تولید شود یا در خارج، یکی از عوامل مهم گرانیت است. بعد از تمام، بار هم به علت ناتوانی ما هوی حکومت اسلامی و فقدان برنا مه (حتی برنا مه بورژوازی)، توقف تولید و کاهش سرما به گذاری (به تنها سرما به گذاری خصوصی که عمدتاً "براشردت مبارزه" کارگری بوده، بلکه حتی سرما به گذاری دولتی)، بر تعداد سکاران افزوده شده عده وسیعی از مردم بیکار به کسب و تجارت روی آورده اند. تعداد واحدهای توزیعی در سهران به رقم گراف ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار رسیده است. درست است که طبق ارقامی که بیشتر با ذکر دم، بحار بزرگ و عا رنکرا نیکسیر، هر ما له میلیاردها به حساب می زنند، اما به کواهی همان ارقام، سسار نصف آن ۱۲۰ میلیارد ریال نصیب خرده فروشان می شود که نظام سرما به داری نتوانسته برای آنها در جریان تولید سفل فراهم آورد. از این لحاظ طرح ملی کردن تجارت خارجی، مادام که ما سکنری مردمی (از طریق سعاوسی ها) و نظارت مردمی بر توزیع همراه با سدا و کر مردمی سواستدوار طریق نهاد های خود بر قیمت ها کنترل داشته باشد، هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد. چرا؟ زیرا اگر بحار تجارت خارجی ملی شود (به هر صورت که اجرا شود فرقی نمی کند)، باز هم توزیع کالا در داخل کشور توسط اسن شبکه عظیم و زائد و پیرهرسه و گرانیت آوری توزیع داخلی انجام می گیرد. یا هم همان بحار بزرگ و کوچکی و خرده فروشان هستند که کالا را به قیمت دلخواه خود، به مفدا ر دلخواه خود عرضه می کنند و کرای و احتکار ادا می خواهند است. (بویژه که هیچ طرح جسمگیری برای افروتن سمران تولید و افزایش سرما به گذاری تولیدی وجود ندارد و عمل شود، رسته و منشا، بیکاری و گرانیت و کمیابی را باقی می گذارد). برای خریدار کالا چه فرقی دارد که کالا در خارج از طریق سرما به دولتی و اردکشور شده یا از طریق اسنا رکنران تجارت خارجی و یا به همین صورت فعلی وارد شود، پس بی دلیل نیست که می کوئیم رفیرمیست ها در فرمیسم خود نیز بیکار نیستند. آنها از طرح مسئله شماره در صفحه ۱۶

ما می کوئیم که همزمان با بحار تجارت خارجی، بحار بزرگ داخلی نیز باید ملی شود. یعنی زیر نظارت مستقیم احادسه های سعاوسی توزیع و مصرف مردمی مزارا گیرد.

در تعارهای رفیرمیست ها، معلوم نمی شود که چه نیروهای ما هیتا مخالف ملی کردن واقعی تجارت خارجی یعنی قطع سدا سرما به داران بحار سیشته هستند. آنها که سوداگران بزرگ را به حای "خرده بورژوازی" به مردم فالسب می کنند. محور سمدرافت باشد که این خرده بورژوازی آنها فبریکند.

استقلال - کار - مسکن - آزادی

صف مستقل پرولتاریا پاسخ به سئوالات

میدانیم که پرولتاریا بارها طی خویشتن از زیر استعمار سرمایه، همسایگان طبقات زیرستم را رها خواهد ساخت. این رهائی نهایی تنها توسط خود پرولتاریا بدست میآید، از این رو طبقه کارگر در مبارزه طبقاتی اش میبایست خود را از سایر طبقات متمایز سازد.

لنین در پیشگفتاری در مورد مسئله مبارزه طبقاتی میگوید: "بدون چوچرا لازمست که بدو، خود را از تمام سایرین تفکیک نمائیم و فقط و فقط منحصر را پرولتاریا را متمایز سازیم و بپردازیم". اعلام داریم که پرولتاریا همه رها خواهد ساخت، همه را فرا خواهد خواند و از همه درخواست خواهد کرد. من با این بعدا " موافقم اما اول خواستار آن بدو" هستم (مارکس - انگلس - لنین درباره برنامه حزب صفحه ۷۰)

در واقع لنین در اینجا بر حفظ هویت مستقل پرولتاریا در مبارزه طبقاتی پای میفشارد و آنرا پیش شرط رهائی سایر طبقات قلمداد می کند. بیستیم این هویت مستقل یا صف مستقل پرولتاریا چیست و چگونه حاصل میآید؟

هویت مستقل پرولتاریا بمعنای آنست که طبقه کارگر میبایست همواره در انجام وظایف سیاسی و فوری خویش چه از نظر سیاسی و ایدئولوژیک و چه از نظر سازمانی و عملی، مستقل و مطلقا مستقل بماند. اصول، شعارها و تاکتیکهای خود را از نفوذ سایر طبقات برکنار نگه دارد و بهمراه طرح خواسته های تمام طبقات زیرستم، از منافع ویژه طبقاتی خود و اهداف سوسیالیستی اش سرخستانه دفاع نماید.

پرولتاریا بدون آگاهی بر منافع طبقاتی خویش، قادر به کسب چنین استقلال نسبی باشد اما این آگاهی خود بخود در بین کارگران پدید نمی آید. پرولتاریا در مبارزه خودش علیه سلطه استعمار سرمایه جداگانه آگاهی اتحادیه ای یعنی آگاهی به لزوم تشکیل سندیکا و اتحادیه و غیره، آگاهی به مبارزه علیه کارفرما دست پیدا میکند. چنین آگاهی ها نه طیفه کارگری است که از طریق پیوند سوسیالیسم علمی با جنبش طبقه کارگر، بوجود میآید.

"زمانی که این پیوند تحقق پذیرد مبارزه طبقاتی کارگران شکل مبارزه آگاهانه پرولتاریا برای رهائی از استعمار طبقات مالک بخود میگیرد و به شکل عاملی از جنبش سوسیالیستی کارگران - حزب مستقل سوسیالیست دموکراتیک طبقه کارگر تکامل مییابد (لنین - سیر قهرانی سوسیالیسم در روسیه - صفحه ۵)

این حزب که نیلوفر صف مستقل پرولتاریا است. طبقه کارگر را با جدا کردن شکل وحدت و استقلال (بویژه در دوران انقلابی) درگیر مبارزه طبقاتی، در تمام قلمروهای آن بنا میاید.

لذا زمانی میتوان از صف مستقل پرولتاریا سخن را اند که کارگران تشکیل طبقاتی یافته باشند و مبارزات شان تحت رهبری پیشاهنگ انقلابی طبقه، حول سیاست مستقل پرولتاریا و در جهت تحقق برنامه و اهداف پرولتاریائی جریان یابد.

آوارگان چه میکنند؟

بقیه از صفحه ۹

تمام اردوگاههای محکومین را منظم و با سازمان است. کوبین های دولتی نه تنها بفروش میروند بلکه بازاریا پیدا کرده است، کوبین ها بصورت منظم و از گاناهای خاصی در بازارها حریسان پیدا میکنند. جالب اینجاست که اغلب کوبین ها شی که به قیمت های گزاف خرید و فروش می شود بهمان شکلی است که از چاپخانه بیرون می آید یعنی حتی سربک آن نیز جدا شده است.

برای توزیع کوبین دوباره کبشه در تمام شهر دست خرد شده و مردم مجبورند برای دریافت کوبین ساعتها و یا حتی دوازده سه روز در صف بایستند، آنچه که بر مشکلات و ناراضی آوارگان می افزاید این است که کوبین همه اجناس رایج را و در یک روز نمی دهند و باین ترتیب مردم مجبورند هر روز در یک صف بایستند، و تازه این آغاز کار است. پس از دریافت کوبین نوبت دریافت اجناس است، دوباره صف های طولی تشکیل میشود. توزیع مواد را عملا دست تجار دولتان سپرده اند و برای ظاهرسازی نیز شراکتی در فرمانداری تشکیل داده اند بنام (شورای توزیع) که البته اعضای آنرا "تجار محترم" بخصوص تا جزء حکمرانان انقلابی معروفی بنام حسن لائی تشکیل میدهد به اضافه نمایندگان فرمانداری و شهرداری.

توزیع کنندگان کالاهای مورد نیاز آوارگان، طبق سیاستی مشخص فاصله دو نوبت توزیع کالا را چنان تنظیم میکنند که تمام مواد بطور کامل تمام شود و مردم تحت فشار قرار بگیرند چرا که در آنصورت اگر ۲۰۰۰۰۰۰ سیصدگرم هم از چیزی شان کاسته شود دنبال آن نخواهند رفت، اما این ۲۰۰۰۰۰۰۰ گرم ها وقتی که در مقیاس بانصدتفریبی لاد نظر گرفته شود، عمق اقدامات ضد مردمی این تجار و عا ملین حکومت مشخص میشود.

کوبین های قند و شکر، سیما رو بنزین بهمان شکل که از چاپخانه درمی آید، در بازارها و فراوان است و این امر مسلم است که این کوبین ها از طریق توده های بی بازار رسیده است چرا که آنها حتی نصف ما یحتاج خود را هم نمی توانند بیا جیره بندی دولتی تا مین کنند و مسلما بطرح خود نمی بینند که کوبین ها بیا را بفروشند. کوبین بنزین بازاریا از طریق ازیقیه دارد، در پیم بنزین علسی فروخته میشود، قیمت یک کوبین سی لتری ۴۵ تومان است که گاه حتی به هشتاد تومان هم میرسد. باین ترتیب قیمت هر لیتر بنزین بین ۴۵ تا ۶۰ ریال در نوسان است. راننده ای می گفت: "اینکه دولت اجازه میدهد کوبین ها را بیست و آزادانه خرید و فروش بشود اینست که میخواهد زمینهای گران تر کردن بنزین را فراهم کند.

دستگیری هواداران سازمان در ترکیه

هشت ماه از کودتای اضربا لیستی در ترکیه میگذرد. حکومت دیکتاتوری فاشیستی نظامی ترکیه که از همان اول زمانمداری خود کلیه احزاب و سازمانهای دموکراتیک و توده ای را منحل اعلام کرد، طی این مدت با سرکوب وحشیانه نیروهای انقلابی، هر روز جنبشی تازه آفریده است. هم اکنون هزاران نفر از انقلابیون در زندانهای رژیم نظامی ترکیه به سر میبرند. همچنین رژیم نظامی ترکیه آدرسی بسیاری از دانشجویان مبارز هواداران سازمان چریک های فدائی خلق ایران را که در "فدراسیون ترکیه" متشکل گشته اند با کمک سفارت جمهوری اسلامی بدست آورده و آنان را دستگیر کرده است. تعدادی از این رفقا پس از تحمل ۷۰ روز شکنجه های وحشیانه مزدوران امپریالیسم آمریکای محاکمه و به زندان محکوم شده اند. سفارت جمهوری

اسلامی در ترکیه درباره مراجعاتی که مبارزان ایرانی جهت اقدام برای آزادی این انقلابیون در بند کرده اند تنها به این پاسخ اکتفا کرده است که "کار اینها سیاسی است و به ما ربط ندارد".

برخورد ما موران سفارت جمهوری اسلامی در ترکیه یکبار دیگر نشان می دهد که رژیم جمهوری اسلامی علیه غم های وهوی مبارزه ضد امپریالیستی اش که گوش فلک را کر کرده است، دست در دست مزدوران امپریالیسم عملا در خدمت تامین منافع امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا قرار دارد. همکساری رژیم جمهوری اسلامی با حکومت نظامی ترکیه، بیانگر وحدت منافع رژیمهای ضد انقلابی است که با سرکوب توده های زحمتکش کشور خود کمربند خدمت به منافع امپریالیسم بسته اند.

بهداشت، مسکن و نان برای آوارگان تأمین باید کرد



گزیده‌ای از میان نشریات شهرستانها

روش‌های خشونت‌بار پاسداران
انزجار مادران زندانیان سیاسی و
توده‌ها را برانگیخت

بدنبال موج دستگیری نیروهای انقلابی، خانواده‌ها نیز زندانیان که برای ملاقات فرزندان خود به زندان نسیان در زاهدان مراجعه میکردند با اهانت و ضرب شتم پاسداران روبرو شده و از ملاقات آنها جلوگیری میشود.
مادران زندانیان سیاسی به منظور اعتراض به بازداشت فرزندان نسیان و بلاتکلیفی آنها که از تاریخ اردیبهشت در زندان نسیان با پاسداران زاهدان در اجتهاد با غذا بودند به ارکانها و مقامات مختلف دولتی مراجعه کردند ولی آنها از جواب دادن طفره می‌رفتند. اعتراضات خانواده‌ها تا بیست و دوم اردیبهشت در اشکال مختلف مثل تجمع جلوسا دگستری، مراجعه به دادستان انقلاب، گرفتن پلاکارد سرچهارها و... ادامه داشت. در این روزها دادستان انقلاب زاهدان بجای پاسخگویی به خواسته‌های مادران زندانیان سیاسی، فرزندان آنها را بعد از بیست روز اعتصاب غذا در دادگاهها و نمازهای انقلاب اسلامی به محاکمه کشیدند.

جمهوری اسلامی با درپیش گرفتن سیاست سرکوب و اختناق و زندان نسیان، دارم مانع گسترش مبارزات روبرو با او شده و راه‌ها شده و سلطه جا بر آنها را که اکنون بر اثر بحران اقتصادی... سیاسی فزاینده‌ای گریباً نگیرش شده، به خطر افتاده است. مبارزات زندانیان سیاسی نشان داد که چگونه روش‌ها نه تنها مانع مبارزات توده‌ها نمی‌شود بلکه چشم و انزجار آنها را نسبت به حکومت افزایش میدهد.

بامی استار نشریه هواداران سازمان
در سیستان و بلوچستان
کارگران با اتحاد خود
به بخشی از خواسته‌هایشان
دست یافتند

"شرکت ایران پروکت" - در پی اعتصاب کارگران این شرکت در تاریخ ششم اردیبهشت ماه، و وعده مدیریت شرکت مبنی بر برآورد نمودن خواسته‌های آنان تا تاریخ دوازدهم اردیبهشت، کارگران در این روز برای مطالبه خواسته‌هایشان به مدیریت شرکت مراجعه می‌کنند ولی به شهیدکارگران پرداخته و میگوید: دولت به ما اجازه داده که هر وقت شرکت بودجه داشت، حقوق شما را پرداخت کنیم و ممکن است دو ماه دیگر طول بکشد." بدنبال این اظهارات سرپرست کارخانه افسری زاده کارگران مجدداً "در تاریخ فوق دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب تا روز ششم اردیبهشت ادامه یافت، در این روز پس از پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران و تامین امکانات ایمنی (کلاه و دستکش) اعتصاب پایان یافت ولی سایر خواسته‌های کارگران از جمله دریافت ۵۰۰ ریال بابت کفش و لباس سال ۵۹ و... تاکنون دست نیافته، با قیام‌ننده است.

اخبار آذربایجان

نشریه خبری - فرهنگی
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - آذربایجان
دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰

حمایت هیئت هفت نفره از فئودالها و خانها

"مال قشلاقی" زده‌ها همجوار روستای زبره و تا به گرمی است. حاج محمود رضایی فئودال معروف این منطقه، سالهاست که خون گشای و زندان را در پیشه می‌کند. در روزهای قبل از قیام او کار را به جاش رساند که حتی یکبار در اردستان مزدور و مسلحانه به روستای مال قشلاقی حمله کرده، ضمن غارت کوسفتان اموال ناچیز روستائیان را آتش زده، زنان و دختران را مورد آزار قرار دادند. پس از قیام بهمن‌ماه ۵۷ به دنبال مراجعات مکرر روستائیان به دادگاه انقلاب و سپاه، او اعلام شکایت و درخواست دستگیری حاج محمود، سرانجام ویژه‌یاری خود روستائیان دستگیری می‌شود. روستائیان پس از این اقدام انقلابی به تقسیم زمین‌ها و سپس به گشت می‌پردازند. حاج محمود و تعداد دیگری از خانها پس از آزادی زندان به روستای "مال قشلاقی" رفته، از روستائیان می‌خواهند که زمین آنها را ترک کنند و می‌گویند بنی صدر به ما حکم داده و هیچکس نمی‌تواند زمین ما را بگیرد. ما روستائیان جواب می‌دهند که "زمین مال ما است و به شما نخواهیم داد. حال چه بنی صدر گفته باشد و چه خمینی." به دنبال این ماجرا هیئت هفت نفره پس از اتمام کارش از روستای "زبره" به روستای مال قشلاقی آمده، زمین‌ها را به نفع فئودالها تقسیم می‌کنند. به این ترتیب که نصف زمینها به خانها و نوار کشتا و رز تعلیق گرفته و نصف دیگر به چهار "خان" داده می‌شود. یعنی به یک خان معادل سهم ۱۳ خان نوار روستای زمین می‌دهند. کشاورزان به این تقسیم غیر عادلانه اعتراض می‌کنند. ولی یکی از اعضای هیئت از خویشاوند حاج محمود می‌گوید "در اسلام این تقسیم عادلانه است اگر شما معترض هستید پس کافرید."
این نمونه‌ها نمونه دیگر به روشی با هیئت‌های هفت نفره را که هم چون دیگر نهادها بر زمین در خدمت زحمتکشان که اسباب در خدمت زمینداران و سرمایه‌داران است نشان می‌دهد.

حمایت آیت‌الله موسوی اردبیلی از سرمایه‌داران

ششمین شماره "خبر" ارگان خبری - سیاسی، شایع گیلان سازمان انتشار یافت. خبری از "خبر" را در زیر می‌آوریم:

بدنبال شکایت کارگران شرکت سینوس از مهندس منتظریان به خاطر فروش سوخت (گازوئیل و روغن) شرکت در بازار آزاد و اخراج کارگران به بهانه کمبود سوخت و همچنین عضویت در کمیته حاج ماشاالله قصاب، سپاه پاسداران شخی مزبور را دستگیر و پس از چند روز آزاد میکند. تا مبرده شبانه به تهران فرار می‌نماید (شرح واقعه در نشریه خبر شماره ۳ درج شده است). در ایام تعطیلات عید شخی بنام حاج مقدم یکسری از سرمایه‌داران شرکت از کارگران میخواهد که در ازای دریافت سود ویژه از شکایت

خود در مورد مهندس منتظریان دست بردارند. اما کارگران حاضر به سازش با سرمایه‌داران نمی‌شوند. مهندس منتظریان پس از مدتی با حکمی که از طرف آیت‌الله موسوی اردبیلی گرفته بوده است آزار بر می‌گردد. بر اساس این حکم حاکم شرع نیز در غیاب کارگران رای بر برائت آقای مهندس میدهد. بدین ترتیب مهندس منتظریان توسط حکم آیت‌الله موسوی اردبیلی آزاد میگردد. تا دویز به استنمار کارگران ادامه دهد. کارگران نیز در این برخوردها بخوبی پی بردند که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در اس دادگاه‌های انقلاب، سپاه پاسداران، وزارت کار و همه حامی سرمایه‌داران و دشمن کارگران و زحمتکشان هستند. در حقیقت با آزاد شدن مهندس منتظریان رژیم جمهوری اسلامی مهرتاشیدی دیگر بر دزدیها و جبا و لکریهاش زده و چهره فلک را گریه خدا انقلابی خود را عیانتر ساخته است. در این رابطه هواداران سازمان در استاراطی انتشار اعلامیه‌ای پسرده از چهره این مزدور حاکم میان سردمداران رژیم جمهوری اسلامی برداشته‌اند.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه جنبش کارگری

یورش پاسداران سرمایه به کارگران ساوالوکس،
منجر به زخمی شدن دو کارگر شد

شرکت تولیدی ساوالوکس یکی از کارخانجات شهرک صنعتی ساوه است. کارگران این شرکت با هدایت شورا علیه مدیریت کارخانه به مبارزه سرمخیزند. در نیمه اول اردیبهست یورش کارگران برکناری مدیر کارخانه "تاج بخش" میبود. مدیر عامل به کمیته ساوه شکایت میکند. دادستان انقلاب ساوه به محل کارخانه می آید و شورای کارخانه را غیر قانونی میخواند. شورای کارخانه با حمایت یکبارجه کارگران خواستهای آنان را در سماده تنظیم و اعلام میکند: ۱- تعویض مدیریت و برکناری تاج بخش ۲- افسانه حقوق عقب مانده کارگران پرداخت شود. ۳- ایجاد نهیبه مطبوع و اصلاح وضعیت آلودگی هوای کارخانه. مبارزات کارگران متحد و یکبارجه ادامه مییابد. از آنجا که مدیر عامل کارخانه خواستهای کارگران را سر آورده نمیکند، کارگران از خروج تولید جلوگیری میکنند. در تاریخ ۱۴/۲/۶۸ عشا

خبرهای کوتاه از گروه...

بقیه از صفحه ۳
نما بندگان سازشکار رشوراکه در مقابل صف متحد کارگران مجبور به پذیرش اخراج رئیس انجمن اسلامی شده اند خواهان باز خرید این فرد شدند که با مخالفت شدید کارگران روبرو شدند. کارگزاران اخراج این عنصر جاسوس را یک پیروزی برای خود میدانند زیرا با رهبری همین رئیس انجمن چند روز پیش اعتصاب کارگران جم (یکی از کارخانجات گروه صنعتی بلا) درهم شکسته شد.

* کارگران قسمت کنائی کارخانه جم با جمع آوری یک طومار، یکی از نمایندگان سازشکار رشورا مجبور به استعفا کردند. این فرد که عضو انجمن اسلامی بود با رها در هنگام مبارزات کارگران آنها را تهدید به اخراج کرده بود. او که در مقابل اراده متحد کارگران زبونی خود را دریافته بود از ای بجز استعفا نداشت.

* در هفته گذشته یکی از کارگران کارخانه جم هنگام کار با لیفیت تراک به شهادت رسید. این اولین و آخرین بار نخواهد بود که نظام جبارانه سرمایه داری با کیدن خون کارگران جانان را بکاز می ستاند و بیرونی اجساد آنها به آخربین لحظات حیات تنگین خویش ادامه میدهد. این کارگر با مرگ خود یک خانواده فقیری را بدون سرپرست گذاشت. اما مدیران فدکا رگردد در صد آن هستند که به تنگنی از پرداخت حقوق او بقیه خانواده اش سر باز زنند. تمام کارگران با بدیا مبارزه بیگانه خود بمرای پرداخت حقوق این کارگر به خانواده اش اقدام نمایند. کارگران باید بدانند که نظام سرمایه داری با برجاست همواره از اردوی کارفرمایان خواهد گرفت. تنها اتحاد کارگران و زحمتکشان میهن و تشکیلات رزمنده آنان قادر خواهد بود این نظام ظالمانه را به زباله دانی تاریخ بسپارد.

پاسداران ساوه به کارگران یورش میدهند. کارگران با اتحاد رزمنده خویش در مقابل پاسداران سرمایه به دفاع سرمخیزند. پاسداران وحشیانه بطرف کارگران سیراندازی میکنند و در ایس درگیری دو نفر از کارگران مجروح میشوند. سیراندازی پاسداران سف کارخانه را نیز سوراخ میکند. در این مبارزه کارگران هر چه بیشتر به ماهیت سرکوبگرانه ارکانهای دولتی پی میبرند. در پی آن، چهار نفر از اعضای شورای کارخانه نیز دستگیر و زندان انتقال مییابند. مدیر فدکا رگربهمراهی دادستان انقلاب و با حمایت عناصر ممدودی از کارگران نا آگاه، درب انبار کارخانه را میگشاید. اما کارگران کارخانه به مبارزه متحد خویش علیه مدیریت و تمام ارکان نهیهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی ادامه میدهد. آنان علاوه بر خواسته های قلی خود، اکنون خواهان آزادی بدون قيد و شرط نما بندگان شورای خود نیز هستند.

مبارزه کارگران کارخانه قند سازی پارس آباد...

بقیه از صفحه ۳
کارخانه قند سازی پارس آباد، پاسداران با زور و سبند کارگران را بکار وادار میکنند و کارفرما نیز میکوشد با تطمیع و دادن رشوه به نما بندگان، او را وادار به استعفا نماید ولی کارگر مبارز این پاسخ که: "من کارگران را بیول نخواهم فروخت و اخراج خود را نیز قبول ندارم" همراه سایر کارگران شروع بکار میکند. ولی سر انجام مدیریت با کمک اداره کار و سپاه پاسداران موفق میشود نما بندگان را اخراج کند. کارگران مبارز قند ساز پارس آباد بیداری جلوگیری از ایجاد اختناق و ورع و وحشت مبارزه خود را برای ایجاد دشواری بیشتر بیخشد.

خوردار نبودند به شرایط فوق تن داده، و یکی از کارگران را به عضویت شورای محاب کرده و به اداره کار و سپاه معرفی نمودند. اما روز بعد که کارگران بسر کار آمدند با کمال حیرت با بخشنامه ای مبنی بر سر اخراج نما بندگان خود روبرو میشوند. کارگران خشمگین از فریبکاری و دغسل بازی اداره کار و سپاه دست از کار کشیده و جلوی کارخانه اجتماع نموده و با شعار "..... حمایت میکنیم پشتیبانی از نما بندگان خویش و اعتراض و نفرت خود را به این عمل ضد کارگری ابراز می دارند. اعتراض متحدانه کارگران کارفرما را سخت بوخت انداخته و پاسداران را به

گزارشی از اعتصاب در...

بقیه از صفحه ۳
اتفاق آراء تصویب میشود. متن قطعنامه کارگران بدین شرح است:
۱ - ما خواستار پرداخت ۲۰ روز سود ویژه هستیم.
۲ - مبلغ ۱۵۰ تومانیکه ماهیانه با بنف سه هزار تومان (سود ویژه) قبلی از حقوق ما کسر میشود با بدیا برداشت گردد. در ضمن، خواستار افزایش دستمزد خود با احتساب نرخ تورم و گرانی هستیم.
۳ - تشکیل مجمع عمومی مشترک حق مسلم کارگران کارخانه کرج چوتهران است.
۴ - دولت نباید هیچگونه دخالتی در امر انتخابات شوراداشته باشد.
۵ - در صورت عدم موافقت با خواسته های ما، از روز شنبه هر روز ساعت دست از کار می کشیم تا زمانی که تمام خواسته هایمان برآورده شود.

دولت حامی مستضعفین! فقط حرف می زند.

بقیه از صفحه ۴
بسرشان خراب می کند چه طور می توانند حرفهای او را قبول کنند. البته هر روز که می گذرد حقایق بیشتر بر ای توده ها روشن میشود.
به امید روزیکه هر خانواده ایرانی صاحب مسکن شود.
آنچه که در بالا آمد، تنها گوشه ای از سختی ها و مشکلات عمیق زحمتکشان میهن ما نیست و تنها هنگامیکه توده ها میخروم و استعداد با انجا دو همبستگی، نظام سرمایه دار را که منشأ تمام بدبختی ها و فلاتک ها است، نابود نکنند، این دردها و کمبودها در زندگی آنها وجود خواهد داشت. تنها با نابودی نظام سرمایه داری و روبروی کارآمدن حکومتی واقعاً انقلابی مردمی، خواسته های زحمتکشان تا میسر شده و توده ها بکسر استنلال، کارامکن، آزادی، دست می یابند.

که در روزها هستند زمین نمی دهند چه رسد به ما. به هر صورت اهالی دم عیدی با زدن از خرج لباس و خورد و خوراک خودشان توانستند بولی سهم کنند و به خزانه دولت حامی مستضعفین! بریزند! تا آب و برق شان وصل شود.
بله، هر چه می گذرد مردم پی می برند، رژیمیکه همه اش دم از مستضعفین میزند کار برای زحمتکشان انجام ندهد و نمسی دهد، فقط حرف میزند. اهالی اینجا و کلیه زحمتکشان وقتی معین فرها را با بنسب آخرین سیستم مانده می کنند و خا منهای و عسکر و اولادها و بیوراسا ده را می بینند که براحتی زندگی می کنند، چه طور می توانند به این جا کیمت اعتماد داشته باشند. اهالی این کاروا س را وقتی می بینند جا کیمتیی که از مستضعفین دم میزند اما خانه های همین مستضعفین را در خاک سفد و کرم کرده.



به استناد منابع امپریالیستی

ایران سومین مشتری بزرگ انگلیس است

بسال استاز چریکهای فدائی
سازمان چریکهای فدائی ایران
انحصار را با سرمایه‌های امپریالیستی از جمله سرمایه
مالی وابسته با احتیاجات انگلیس از
این قرارداد استعوان خلق جدیدی در
روابط تجاری بین دو کشور ایران و انگلیس
سازگردد و در شماره ۲۷ آوریل خود آستار
وارقا می‌افزاید ده‌های جدید ایران و
انگلیس سرآمد. این اولین تار است
که مردم ایران از طریق سرمایه‌های
امپریالیستی، در جریان قرارداد ده‌های
فی ماس ایران و کشورهای امپریالیستی
قرار می‌گیرند. و اکنون دیگر آنکه رسیدن
یک یک قراردادها و پس موجه کسریهای
توجه آمیز سران رژیم جمهوری اسلامی
ایران است. و بدو اولی شده است.
تاریخ ما از همان ابتدای تمام
حواس را نشان می‌دهد که در ده‌های رژیم گذشته
بوده و هنوز در گذشته که قراردادها
شده است اما نسبتاً در ده‌های گذشته
بوده‌های جدید است. ایران نسبت به
موجب غارت هر چند سرمایه‌های
و با سرمایه‌های آنجا لغو بود اما رژیم
جمهوری اسلامی در شانها داده‌ها
است و در ده‌های گذشته سرمایه‌های
در جهت لغو آنها برده‌اند و این امر
ارسی ما به حدی است که مردمی رژیم
کمیونی را آشکار می‌کند.
اما در مورد قرارداد انگلیس ایران
و انگلیس، بکشد تا سرمایه‌های
ایران در حال و زمانه سومین مشتری بزرگ
بهدار عربستان سعودی و آمریکا است
عمی برای انگلیس می‌باشد و نسبت از
همین رو بر ما به قرارداد جدید است
میسورهای مسوخ شده این شرکت است
و می‌تواند در جهت بحران شرکت

توجه آمیز سران رژیم
ایران است. و بدو اولی شده است.
تاریخ ما از همان ابتدای تمام
حواس را نشان می‌دهد که در ده‌های رژیم گذشته
بوده و هنوز در گذشته که قراردادها
شده است اما نسبتاً در ده‌های گذشته
بوده‌های جدید است. ایران نسبت به
موجب غارت هر چند سرمایه‌های
و با سرمایه‌های آنجا لغو بود اما رژیم
جمهوری اسلامی در شانها داده‌ها
است و در ده‌های گذشته سرمایه‌های
در جهت لغو آنها برده‌اند و این امر
ارسی ما به حدی است که مردمی رژیم
کمیونی را آشکار می‌کند.
اما در مورد قرارداد انگلیس ایران
و انگلیس، بکشد تا سرمایه‌های
ایران در حال و زمانه سومین مشتری بزرگ
بهدار عربستان سعودی و آمریکا است
عمی برای انگلیس می‌باشد و نسبت از
همین رو بر ما به قرارداد جدید است
میسورهای مسوخ شده این شرکت است
و می‌تواند در جهت بحران شرکت

ضد حمله سرمایه تجاری

س از آن که طبق برآورد ایدئولوژیهای
سرمایه صنعتی معلوم شد تا رومحتکران
در سال گذشته ۱۲۰ میلیارد تومان سود
برده‌اند سرمایه‌داران تا جریبینه به
فکر با سخ دادن به حریف افتادند.
دانشان ویژه امور صنعتی اعلام کرده‌که
سازمان چریکهای فدائی
نتیجه رسیدیم که با بدشکرگتها و کارخانه‌های
بزرگ تولیدی کل محصولات خورا بوسیله
شرکت‌های تعاونی یا اتحادیه‌های صنعتی
در ایران توزیع کنند تا با زراعت
ما موران ما بتوانند نرخ را تحت کنترل
داشته باشند و جلوی احتکار جنس را بگیرند
(میزان ۶۰/۲/۷۰)
از قرار معلوم ۱۲۰ میلیارد تومان سال
گذشته اشتباهی عاف تجاری با زراعت
کرده که اینک برای رفع گران‌ی و احتکار
مصمم شده اند کل محصولات را توسط بازار
توزیع کنند و توزیع بقیه کالاها را
نیز که از طریق دیگر صورت گرفته، در
دست خود بگیرند. در ضمن روشن میشود که
کمیته امور صنعتی (سندیکا) سرمایه
داران بزرگ تا جریبینه بین "تولید
کننده" و "فروشنده" را تمییز دهد.
ابراز صریح این گونه توقعات، یعنی
در قضا گرفتن کل توزیع تولیدات، در
شرایطی که قدرت سیاسی بر مدار منافع
سرمایه، تجاری می‌چرخد، چندان هم بی
معنی نیست. اما اشکال کار اینست که
این نوع اقدامات با حملات سرمایه صنعتی،
روبرو میشود و از سوی دیگر با موج مبارزه
توده‌ها علیه هر گونه سرمایه و سودجویی



در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید

سرمایه‌داری هستند و از توده‌ها به عنوان
وسایلهای برای بر سر عقل آوردن سرمایه‌داری
استفاده می‌کنند.
اما توده‌های کارگرو زحمتکش که با
جسمهای خود توانی سرمایه‌داری را
می‌بینند، به این تمهیدات پوزخند
می‌زنند و از استروست که اکثریتی‌ها
از توده‌ها پیرو خود منفرد می‌شوند، بگذریم
از توده‌های که هرگز در فکر جلب توده
نشده‌اند، آنها به شیوه "سیاست‌بازی"
و بهره‌برداری از تعارضات اقشار حاکم
است که به مقاصد خود توده‌ای خود را شکل
می‌نهند. چه دشوار است که در فرمیستهای
اکثریتی - توده‌ای در برابر توده‌های
که با ارا دیگالیسم و استقلالی‌گری خود
کلیت نظام سرمایه‌داری را به بساد
سؤال می‌گیرند!

کارخانجات به طرز دموکراتیک
اجام بگذرد، اما لاف‌ها می‌افزایم
که این کار، یعنی ملی شدن تجارت
داخلی سرمایه‌داری که بواسط تولید
سرمایه‌داری برقرار است، فقط قسمتی
از سرمایه‌داری و مکتب رحمتکشان را
می‌کاهد.
با این بوضاحت است که با بیگیری
بازار سرمایه‌داری در ایران
بزرگ است. می‌تواند معلوم می‌کرد که
ملی کردن تجارت خارجی به طور مستقیم
از ضابطی تا منافع توده‌های زحمتکش
و کارگر بردارد. زیرا مسئله گران‌ی و احتکار
سای از روابط سرمایه‌داری در توزیع
داخلی را به حال خودمانی می‌کشد.
معلوم می‌شود که فرمیستها، چه بداندند
وجد ندانند، در خدمت بازاری نظام

ماهیت واقعی ...

بهارت داخلی طرفه می‌روند و از
ارتباط بینک ملی کردن
تجارت خارجی و تجارت داخلی یعنی
برای ملی کردن تجارت خارجی
که مجموعان تا تجارت خارجی تجارت
سرک داخلی سرمایه‌داری بود یعنی
رابطه مستقیم اتحادیه‌های تعاونی
توزیع و مصرف مردمی قرار کرد. باید
از سرمایه‌داری بزرگ دست‌انگیز
تجارت داخلی خلق نمود و در جریان
و کسب جریبینه‌های توزیع
مصرف توده‌ها بزرگ و زحمتکش

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

بررسی و تحلیلی از جنبش کارگری دو...

بقیه از صفحه ۶
مبارزات پراکنده دردیگرکارخانجات نیز همچنان ادامه می‌یابد. کارگران مبارز شرکت طرح و توسعه تلفن و رادیو شهاب برای دریافت حقوق عقب افتاده شان مبارزه می‌کنند. کارگران رادیو شهاب با تحصن و جلوگیری از خروج تولید موفق می‌گردند که سرمایه‌دار را به وارد کردن مواد خام وادار نموده و از تعطیل کارخانه جلوگیری نمایند. کارگران آردی - آی و سازمان آب به تحصن و اعتصاب پرداخته و کارگران شرکت ساختمانی موج برای حق مسکن در اداره کار دست به تحصن زده که به نتیجه‌ای نرسید.

بطورکلی این ترمیمی از روند جنبش کارگری در این دوره می‌باشد. آنچه که در این پروسه در مبارزات کارگران مشاهده می‌شود، مبارزات خودبخودی و غالباً فاقد شکل انقلابی می‌باشد. در واقع پس از پیروزی رژیم به‌شوراهای انقلابی و اجرای سیاست زرد کردن شوراها، کارگران تا حد زیادی از این شکل انقلابی خود برخوردار نیستند، هرچند که در تداوم و اوج گیری هر مبارزه‌ای زمزمه‌های تشکیل شورا و ضرورت آن از سوی کارگران مطرح می‌گردد.

عامل دیگری که در این دوره بیش از گذشته خود را نشان می‌دهد، "سرکوب" است. از آنجا که رژیم دیگر به آسانی قادر به سرکوب فریب‌توده‌کارگران نیست، پاسداران را پیش از گذشته و بسیار سریعتر وارد مقابله با مبارزات کارگران می‌کند. در کارخانجات آلومین، بارس متال، دیسمان و بسیاری از کارخانجات، پاسداران به سرکوب و تحصن کارگران می‌پردازند. و بالاخره ناتوانی حاکمیت در تحمل بحران اقتصادی، فشار روزافزون بر توده‌ها، برآورده شدن انتظارات و خواست‌های آنان و سرکوب مبارزاتشان شدید پروسه سرکوب توده‌ها از رژیم و سران‌شان را بدنبال دارد. اقدامات ارتجاعی و ضد دمکراتیک انجمنهای اسلامی در کارخانه‌ها، نفرت کارگران را برانگیخته و به همراه اقدامات ارتجاعی و ضدکارگری حیزب جمهوری اسلامی در سطح جامعه کاملاً حزب را نزد توده‌ها بی اعتبار می‌سازد. با زرگان و دارودسته‌اش بدلیل عملکرد گذشته و شناخت تجربه توده‌ها از آنان هیچ پایگاهی در میان طبقه نداشت، ولی بنی‌مدبری علت مخالفت با حیزب و سایر ستنها بیش از بقیه لیبرالها توهم کارگران را برمی‌انگیزد. و بطورکلی گرایش توده‌کارگران به کارگران پیشرو و نیز نیروهای انقلابی رو به تضاد است. طبقه نداشت، ولی بنی‌مدبری علت مخالفت با حزب و سایر ستنها بیش از بقیه لیبرالها توهم کارگران را برمی‌انگیزد. و بطورکلی گرایش توده‌کارگران به کارگران پیشرو و نیز نیروهای انقلابی رو به تضاد است. در چنین شرایطی است که جنگ ارتجاعی و فلاکت با زمین سرمایه‌داران ایران و عراق فرا می‌رسد. (ادامه دارد)

یادآوری

چون ارسال پولهای بدون کد، مورمالی سازمان را با مشکل مواجه ساخته است لذا از همه رفقا و هواداران می‌خواهیم که کمکهای مالی خود را الزاماً با یک عدد سه رقمی و یک حرف مشخص نمایند و از ارسال پول بدون کد خودداری نمایند. (مورمالی سازمان)

بدون حرف اول نام

۱۵۱۱۷	الف	۱۲۰۰	۴۵۱۱۸	۱۰۲۲۵
۱۰۰۲۰	ب	۱۵	۱۹۹۹	۵۰۰۱
۱۰۴۰۶	ج	۵۲	۲۰۰	۱۱۳۱
۱۰۸۱	د	۲۲۱۱	۱۱۳	۲۱۴۹
۲۴۰۵	هـ	۱۰۵۵	۵۰۹۰۷	۲۴۰۰
۵۰۴۰۲	و	۱۱۶	۱۱۳۶	۱۲۱۷۶
۶۹۰۵	ز	۷۰۰	۱۱۲۶	۵۰۰۰۱
۱۴۰۸	ح	۱۵۷۶	۱۳۳۹	۲۲۱
۱۵۰۰۶	ط	۱۰۱	۴۰۴۱۴	۱۱۱
۳۱۲۱	ظ	۱۰۲	۵۵۵	۱۲
۵۰۰۰	ع	۱۷۱۲	۲۰۱۰	۲۰۵۵
	ف	۳۱۰۱	۳۱۰۱	۱۲۴۳
	گ	۳۳۱۶	۱۰۰	۵۱۳۴
	ج	۳۹۱۸	۹۵۳۴۰	۲۶۱۲
	د	۷۱۰	۷۷۰	۶۱۱
	هـ	۱۱۰۱	۵۵۵	۷۱۱
	و	۲۶۴۴	۱۱۰۱	۱۲
	ز	۱۰۰۶۰۲	۲۱۱۱	۵۳۹۴
	ح	۱۰۰۵	۱۱۲۴	۸۱۶
	ط	۱۸۶	۶۳۲۱	۱۶۸۰
	ظ	۱۰۰	۵۱۰۰	۵۰۰۰
	ع	۲۱۱	۱۱۳۶	۳۲۳۳
	ف	۱۱۲	۵۵۲۱۲	۷۴۳
	گ	۱۱۵	۷۵۲۱۵	۹۱۷
	ج	۴۶۱۳	۳۳۳۳	۱۰۰۴۰۵
	د	۱۵۰	۱۱۹	۱۰۰۶۰
	هـ	۸۵۰۹۸	۲۲۵	۱۴
	و	۶۰۳۱۱	۱۰۰	۱۲۳۳۳
	ز	۱۱۵۰	۲۵	۱۱
	ح	۸۱۳	۸۰۵۱۶	۲۴۹۹
	ط	۱۰۰۲	۳۱	۱۱۸
	ظ	۵۵۰	۱۱۳۶	۴۹۹
	ع	۱۴۰۰	۷۵۰۹۲	۱۰۰۱
	ف	۲۲۱۹	۵۰۳۳	۵۶
	گ	۲۱۱۲	۴۵۰۰	۱۶
	ج	۵۵۵۳	۲۱۱۱۲	۱۱۱۱
	د	۳۵۰۰	۱۱۰۰	۱۰۱۱۲
	هـ	۱۰۰۰	۹۳۵۱	۱۵۰۰۳
	و	۳۰۰۰	۱۴۵۴	۵۰۵۰۴
	ز	۵۰۱	۱۱۷۱	۵۰۷۷
	ح	۱۰۱۲۳	۱۱۷	

رفقای شهک اکباتان
کدهای فرستاده‌دهنده در
ردیف حروف مربوطه
جای شده است

رفقای آبا ده

۱۸۰ - ۱۵۰۰ ریال

رفقای مشهد

آرش ۲۰۰۰

آرش ۲۰۰۰

آرژانس ۱۰۰۰۰ ریال

رفقای بندر عباس
ت ۳۲۲۲
- ۱۰۰۵
رفقای دانش‌آموز
۶۰۰۰
رفقی مادر ۵۰۰۰

ی-سرباز

۲۲۲

ن-الف

۳۰۵۳

امانت‌شما
رسید
الف ۱۰۰
م ۱۰۰
ر ۱۲۳
ن ۱۰
ط ۱۰۰
رفیق مسعود
ح ۲۵

کرمانشاه
من گسترار
هشتم ماهی ۲۲۲/۵
تومان حقوق منگرم
از این پول ۵۰
تومان آرزای
سازمان برافشار
چریکهای فدایی
خلق کمک می‌کنند
امیرالینس
پایگاه‌ها اختص
بدا ندکه ما اسلحه
هایی را که آنان
برای سرکوب خلق
بکار می‌برند
علیه خودآنان در
موقفیت مناسب
بکار خواهیم برد
۱۰۰۰۰ ریال

رفقای کرمان
ط ۱۰۲۷
د ۲۰۲۷
م ۱۰۲۷
الف ۵۱۰۱
ش ۵۱۰۱
ک ۸۰۲

رفقای قان شهر
کارمندان بانک
۲۸۵۰ ریال
رفقای معلم
۱۵۰۰ ریال
۴۰۰۰ -
رفیق (س) امانت
شمار رسید
۳۵۱
م ۸۱۳
ن ۱۰۰۲

رفقای آمل
بهبروز ۳۱۰۰
جهان ۳۱۰۰
الف ۴۰۱۷
رفیق پدر ۲۰۰۰
رفیق مادر ۵۰۰
رفیق لیلیا ۵۰۰۰
رفقای تنکابن
۱۲۱۵۰ ریال
بندر لنگه ۴۰۰

رفقای شیراز
م ۱۰۱۱۵
م ۵۰۰۹
رزا ۱۲۵۰
رفیق برادر هادیار
۳۰۰۰ ریال
هوخست قسمت
انبار ۱۰۰۰۰ ریال
مدرسه عالی پارس
۱۰۰۰۰۰ ریال

رسوکار کر ۵۰۰
- م - م - ۲۰۰۰
ن ۲۰۰۲
س - س - ۹۹۹۹
دسر ساها
محبوبه مسجد
سکاس همراہ
نامہ ۱۲۷۶۰
اسدی ۳۰۰۰ ارسال
سام ۴۳۰
مهر ایران
۴۵۰۰ ریال
مسعود کسبان
۷۰۰۰ ریال
سروزی بنت
۸۰۰۰ ریال
پیشکام آردی
۷۲۰ ریال
فروغی ۲۲۰۰ ریال
رفقای حراسان
غ - ج ۲۲۵ ریال
ستاره ۴۰۰۰
ر ۳۳۳
آراز ۵۲۴۹
ط - رفیق خلدار
۱۰۰۰۰ ریال
ز - س ۵۲۶
ز - س ۵۰۰
ز - س ۱۵۰۰
ط ۱۲۴۴
رفقای دختر
پیشکام فوجان
۹۰۰۰ ریال
و ۲۹۱۷
ش ۱۱۱۲
س ۵۲۰
م ۵۱۰
ب ۳۳۰
رفقای هوادار
سازمان مقیم
آمریکا
۳۰۰۰ فرزنو
۱۱۰ دلار
ک - ۲۲۱ - ۱۸۰ دلار
- م - ۳۱۳ - ۲۰۰
س - ۱۰۰۰ - ۱۳۰
ب ۳۵۰ - ۳۵۰
پرتلند ۳۶۰
- و - ۲۰۰
- ۵۰ - W-SU
- ۲۰ - A-MI
آ - ۴۰ - ۱۹۹
- ۱۵۰ - ۱۵۰ دلار
آ - ۱۲۰ - ۱۲۰ دلار
اتلانتا ۱۸۰
نیویورک ۱۰۰
س - ۵۹۰ - ۱۳۳
۱۰۰۰۰
د ۱۲۷ - ۵۰۰
م - ۱۸۲ - ۷۲۰
رفقای آواره
قصر سیرس
ت ۳۰۰۰ ریال
م ۲۱۵۰
۴۵ لیتر سترس

رفقای آمل
بهبروز ۳۱۰۰
جهان ۳۱۰۰
الف ۴۰۱۷
رفیق پدر ۲۰۰۰
رفیق مادر ۵۰۰
رفیق لیلیا ۵۰۰۰
رفقای تنکابن
۱۲۱۵۰ ریال
بندر لنگه ۴۰۰



گزارش هیئت بررسی

شکجه ...

با سلام و تحیات جمهوری اسلامی ایران به هیئت بررسی
جمهوری محواریه شکجه (با نامهای روس)
خودسازگاری خودسازگاری خودسازگاری
انگیزشهای همان بحرم با آنکه شکجه در
این مورد نتیجه عمل ما را با شما در نظر
جواب میدود.

حزب جمهوری اسلامی که خود عامل اعمال خارجی
شکجه ها، حریف و حریفها و سرورهای خود است
که خودسازمانده شده است. شکجه ها با این
و شکجه ها که اینها یعنی اسلام، اسلام، اسلام
عوام برسی خود بر روی نتایج و نتایج عملکرد
های ما می باشد. هیئت بررسی
شکجه از محمد مسخری بعنوان ما سدا نام
۱۱) نام بدل نولیا از گزارش هیئت
مسیر شده در انقلاب اسلامی در سال ۲/۲۹
است. بررسی شما شده مجلس ارفراکسیون
حزب جمهوری اسلامی و محلی که است
همکاران ما با او که شهر خاص و عام کننده
است. دوستان ما از فقه فضا شده که در این
آن نهی و موسوی اردبیلی در این گزارش
حزب ترادارند و یک نفر را از اعضا شورای
نکته ها تشکیل یافته بود. در شما می
مسیر بررسیها پس از همکاران شما می
فما کند برخورداری بود. مثلا "هر که دو خود
کسم که حسی بزرگ تا بوسی که مسئول بررسی
شاکیان شکجه بوده است. با معرفی
دادستان کل کشور" اصحاب شده است.
روسی می بود که ما می جریا تا با ارگاسال
حزب جمهوری اسلامی گذشته است.

شکجه در قاموس جمهوری اسلامی چه معنی دارد؟

شکجه عبارتست از هرگونه
عملی که توسط یک مقام رسمی یا اعمال
مزدوران او یا بستگان رسمی نسبت به یک
فرد اعمال شود و موجب آزار، درد و مشقت
او گردد. این عمل ممکن است بدنی یا روحی
و روانی باشد و در هر مورد از قبیل اخذ
افزار یا کسب اطلاعات یا مجازات و تشویه
یا تهدید یا بکار برده شود، اما در قاموس
جمهوری اسلامی و از نظر هیئت بررسی
شکجه هرگونه آزار و اذیت اعمال ضرب و
جرح، کتک زدن، شلاق زدن، تجاوز و زودها
عمل و خشیا نه دیگر میسوا اند معنیهای
شکجه ای را بسیار بد که ایجاد حرم نما بدلیکه
در بسیاری اوقات اینگونه اعمال موجب
"افخا رجمه" جمهوری اسلامی "تر هست.

در قانون اساسی آمده است هرگونه
تکذیب برای گرفتن آزار و اذیت کسب اطلاع
ممنوع است از قبل ۱۳۸۱ تا نوا با
سروشی اعمال شکجه در هنگام دستگیری
برای تنگنای روحیه منا و سزاندن
جهت استقامت گیری، ارباب و شهید و
شکجه کردن بی از اعتراف و محکومیت
شکجه را از اد میگذارد و از اینجاست اینگونه
شکجه ها جزو محدود بررسی هیئت
حساب نمی آید. از سوی دیگر بسیاری

از او با شکجه از جمله سزای و کابل زدن
وجود دارد که تا قبل بررسیها و احکام
سرمی کشیده. اما بعد از گزارش هیئت
سزا داده است که حدس مورد آزار و اذیت
سرمی کشیده است از روی خود شکجه شده
سرمی کشیده است. که خود شکجه شده است
حقیقتا کاتی ما در روس سزا در روس
حال هست فقط خود در حتم با در روس
سزا سزای ایران و خود را داده است و از
اگر شکجه های اعمال شده در سزای
چیزی است و محسوس شکجه های وسیع
انجام داده. روسی بدنی می کشد. هر
حاله های ما. در کسمه های ۱۴ گانه و
حی در خود و شما با آن که موارد بسیار
از آن توسط سازمان ما و سایر نیروهای
انقلابی انجام است در محدود عمل هیئت
سرمی کشد.

با سراسر روس است که هیئت بررسی
شکجه فقط در محدود اعمال شکجه جهت
ایران، در زندانهای ایران و خود و آنیم
شکجه ها بی جزای زدن و کابل زدن و
از این سبب به بررسی شده "برداخته
است. اما در سلطنت خود این عمل را
بسیار از ایران و به هر نوع شکجه و آزار و
اذیت و ضرب و ستم بعمم داده است.

شکایات چگونه بررسی شده است؟

نماینده گمسم که خود هیئت بررسی شکجه
با وجود این از ۳۶۲ مورد شکایت نسبت
به اعمال شکجه (این عدد است که خود
هیئت اعلام کرده است) و میخانه اعلام میکند
که در ایران شکجه موجود دارد. و همچنین
گمسم که به مگر است ۳۶۲ نفر در
جمهوری اسلامی بدون سزای اعدام و شلاق
و شکجه دست به تکالیفها و پروغوسی اسان
زده اند. با بررسی گزارش هیئت
سود برخورد شکایات روسی سرمی کشد.
هیئت شکایات رسیده را به قسمتهای
مختلف تقسیم میکند. ما به بررسی چند
قسمت میرد از م.

۱- شکایاتی مربوط به درگیریهای
خوبی است. این شکایات از طرف
گروههای مختلف عنوان گردیده است
و بیشتر مربوط به مینتنگها، راهپیمایی
ها و جلسات سخنرانی است که در آن طرف
داران و مخالفین یک گروه بوسیله طرف
مقابل مضر شده... هیئت موزر آنکه
سعی را در ضرب و شتم، کشتار و اعمال فشار
با آنها میسوا و حزب الهی به میتینگها
و نظایرات نیروها و سازمانهای سیاسی
را درگیری و گروه از مردم جلوه دهد. اما
دیگر برای بوده ها که هر روز شاهد حتم
و وحشیگریهای حزب الله هستند چنانچه
رنگی ندارد. حتی هیئت تا آنجا پیش
میرود که میتینگ "در برخی شکایات
ما مورین نیز متهم بمداخله هستند. در این
نوع درگیریها غالباً ما مورین کمیته ها
و سازمان مورین این نظامی مضر و مجروح و
حتی شهید شده اند" در میان توده های
مردم هر کسی که حتی یکبار شاهد درگیریهای
خوبی است و حملات و خشیا نه با سزایان،
کمیته جیها و حزب الهیها به نیرو و همسای
مترقی بوده است. هر کسی که در کربلا و خشیا نه
او یا ش و حمایت بدریغ با سزایان از آنها
را در ۱۷ بهمن ماه بخاطر سزاورد، هر کسی
ضرب و شتمها و دستگیریهای فر و شندگسان

سزایات انقلابی در حتم با سزا
و خشیا نه با سزایان و مزدوران حزب
سزایان مبارز و انقلابی در حتم با سزا
کتک زدن، دستگیری و اعمال شکنجه
علنی در روز اول ماه مدست...
راهسما می سازمانهای انقلابی در
سزایان جمهوری و حتم حمله سزایان
با سزایان و حزب الله به سزایان
های راست را دیده است مدست
به وفات و دروغ و کشتی هیئت
با بدرسد، دستگیری و به سزایان
رئیس جهان در میسک ۱۷ بهمن، حتم
و خشیا نه را همسما میها و نظایرات
مخاطب و کسب سزایان ۱۵ مخاطب در دو
ماه اخیر، سزایان سزایان را همسما می
ها و... مگر سزایان و اعمال دولتی
سزایان داشته اند. در شرایطی که انقلاب
سیاسی بدست با سزایان سزایان
انقلابی در حملات به سزایان سزایان
هیئت سزایان میسوا میسوا "عالمی" ما مورین
کمیته ها و ما مورین انظامی... شهید
سزایان "در شرایطی که هر روز سزایان
در خیا با سزا مور در ضرب و ستم قرار گرفته
دستگیری و شکنجه مگر در سزایان سزایان
میسوا "عالمی" ما مورین... مضر و
و مجروح شده است.

۲- شکایات از برخی از ما مورین سزایان
کمیته ها سزایان سزایان در سزایان سزایان
ها "در این مورد شما میسوا در ضرب و ستم
با سزایان و کمیته جیها بعنوان "حکم تری
و تشویه و تعزیر" نامیده شده است در عین
حال هیئت فقط از اعمال این موارد
فدقا چاقچیان نام میسوا و بدین طریق
کوچکترین سزایان ضرب و ستم و شکنجه
زندانیان سیاسی به میان نمی آید.
کوچکترین سزایان حملات و خشیا نه با سزایان
به داخل سزایان سزایان سیاسی، با ضرب
و شتم آنان بخاطر سردخواستن و با سزایان
دادن و حتی حملات مزدوران و عمال دولتی
به ما دران زندانیان سیاسی که جهت
اعتراض به وضع زندان در جلوی آن کرده
بودند در میان نیست. در برخی موارد نیز که
هیئت وجود "ضرب و شتم در موقع دستگیری"
را میسوا (آنهم فقط در مورد کودتا چیان
و گروه فرقان) میگوید: "انگونه که ما
ناشی از خشم و عکس العمل فوری سزایان از
ما مورین است که چنین افرادی را با آن
اشتها مات سنگین دستگیر کرده اند" بلکه
از سویی ضرب و شتم و خشیا نه نیروهای سیاسی
نفی میشود و از سوی دیگر ضرب و شتم اعمال
شده در مورد کودتا چیان با سزایان ختم
ما مورین و شدت اتهام زندانی سزایان می
گردد. هرگاه با این فاعده بیش سروم مسلم
است که بسیاری از نیروها و کشتار سزایان
خوبی است که سزایان "ملا" موجه وفا سزایان
زیرا مسلمانان با دیروز دوران حزب جمهوری
اسلامی ما می که با افتخار کربلیا نیروهای
مترقی در مورد سزایان ضد خلقی سزایان
مواجه می شوند به خشم می آیند و در نتیجه
هرگونه عکس العمل آنها از نظر هیئت موجه
خواهد بود.

۳- شکایات کتبی: شکایات کتبی در
مورد اعمال شکجه بنا بر اعتراف خود
هیئت بالغ بر ۳۶۲ مورد بوده است. بنا
بر ادعای هیئت در گزارشهای موجود شما ما از
سوی افرادی بوده است که دارای سواقی
چون ارتباط با سزا سزا نه آمریکا
همکاری میسوا نه سزایان با سزایان و
کمپانیهای امیرالستی تبلیغ رژیم
شاید در صفحه ۱۸

گزارش هیئت بررسی

شکنجه

شاهنشاهی و... "میباشند، در اینجا دو نکته قابل توجه است اول آنکه هیئت بشکل مزدورانه میگوید طرح مسئله شکنجه رابه مزدوران و ایادی رژیم گذشته نسبت دهد و بدین طریق توده ها را بفریبید. اما بخوبی روشن است که بیشترین شکنجه در مورد نیروهای انقلابی اعمال میگردد. موارد متعددی از اعمال شکنجه که از سوی سازمان ما و سازمان مجاهدین خلق و سایر نیروهای انقلابی افشا گشته است در عین تا شیده ما جانی وجود شکنجه بخوبی نشان میدهد که دشمنی و کینه تیزی رژیم جمهوری اسلامی و در نتیجه اعمال شکنجه از سوی اعمال آن در درجه اول در مورد نیروهای انقلابی صورت میگیرد. نیروهای سیاسی همه علنا اعلام کرده اند که مفاد دیربازی مدارک و اسناد به هیئت ارائه داده اند. اما هیئت و قیحا نیکه میگوید با طرح مسائلی راهی چون "ارتباط با جاسوسخانه و مسائلی واهی مبارزات توده ها را با انحراف بکشاند. هیئت در این راه چنان کوشش و سعی بکا گرفته که حتی جهت لوٹ مطلب وجود شکنجه مثلا به یازدیدندان دژبان رفته است (زندانی که سر بازان و درجه داران در بازداشت های موقت جهت تخلف ارتشی بسر می برند) و از آنان در مورد موجود بودن شکنجه تحقیق نموده است! اما در عوض کمترین سختی از زندانی سیاسی بعنوان جهت اصلی حمله این حربه در میان نیست.

مسائلی که در گزارش هیئت به چشم می خورد اینست که هیئت در هیچ کجای گزارش نکوشیده است نفس اعمال شکنجه را محکوم سازد بلکه از وحشت نیروهای مترقی فقط سعی نموده از وجود اعمال شکنجه در مورد زندانیان سیاسی بوسیله دروغ پردازیهای بسیار شانه خالی کنند ولی بطور ضمنی اعمال شکنجه بر ضد انقلابیون، کودتاگران، ساواکی ها و عمال رژیم سابق را مجاز می شمرد اما در عین تاکید مجدد بر محکوم بودن نفس اعمال شکنجه با رد دیگر تکرار می کنیم "وقتی سیستم عدالت جمهوری اسلامی بر هر مبنی استوار باشد که ما مورین دستگیری و بازجویی آن جانیایی چون ما شاء الله قصاب و کربصی بوده حکام شرع آن کسانی که بیخون خلغالی ها و فهم ها و... باشند پروا واضح است که رئیس هیئت بررسی شکنجه آن نیز باید افرادی چون بشارتی ساواکی باشند که توجیه گرو شکنجه و تطهیر کننده شکنجه گران کردند."

۴- نوا هدیه ای شکنجه: مورد آخر نامه اعمال شکنجه سیزه افراد دست و پا بریده و بدن سوخته و با افرادی با آثار ضرب و جرح و نام نران جمهوری اسلامی بسر بدن حک شده بودند که هیئت بخوبی دروغ پردازیها و محنه سازیهای آنان را افشا کرد! قیلا آیت الله خمینی مسائلا عمل شکنجه توسط خود نیروهای انقلابی بسر اعضا و هواداران شان را طرح کرده بود و اینک هیئت پس از تحقیقات چند ماهه خود تمای جزئیات این اعمال را برای مردم افشا می کند! هیئت طرق مختلف

اینگونه اعمال را چون بیخون کردن و اعمال شکنجه، بیخون کردن، ضرب و جرح زندانیان خودی در زندان، ایچساد درگیری های عمدی با پاسداران و... را نام می برد. و بدین طریق تمامی شکنجه های فزون وسطایی اعمال شده توسط مزدوران رژیم رابه انقلابیون نسبت میدهد. در این مورد نیز ما بارها گفته ایم، توده ها این که در کوجه و خیابان هر روزه تا هند و حشیانه ترین اعمال از سوی مزدوران رژیمند، توده ایی که هر روزه مورد محمله و ضرب و شتم و کشتار با سدا ران و ساند های سیاه فرار دارند مسلما بخوبی درک خواهند کرد که چگونه تیروهای انقلابی مورد ضرب و شتم و شکنجه عمل رژیم قرار دارند. در انتهای گزارش هیئت با تقسیم سه دوره، از قیام تا کنون، شکنجه های اعمال شده را تقسیم بندی می کند. ذکر می شود که در دوره اول مواردی از شکنجه وجود داشته اما هیئت بعلم نفوذ صدا انقلاب و ساواکی ها در نهادهای انقلابی از آن چشم می پوشد اولی روشن نمی کند که با لایحه رفیق دوست ها، ما شاء الله قصاب ها کربصی ها، کجوبی ها و لاجوردی ها و... اگر ساواکی و ضد رژیمند چطور هنوز هم با شکنجری تمام بر سر ما در "مرحله سوم" باقیند؟ هیئت تشکیل شورای عالی قضایی و تسلط این شورا بر نهادهای ما مورین است که تقریبا از اواخر تابستان ۵۹ شروع میگردد از این تاریخ امور نسبتا به نظم و ترتیب در آمده و تخلفات سه باقیل رسیده است "اعدام های مکرر انقلابیون در دوران ذکر شده، ترورهای متعددی چون ترور رفیق امین نورایی در بلوچستان و سیستان، ترور صم قربی در بندر عباس، ترور رفیق جهان و... ایجاد تمهات های ساختگی و شهادت رسانیدن انقلابیونی چون ابوالقاسم همتی (۲۷- ماه) به قتل رسانیدن بیش از ۱۵۰ مجاهد در دوماه اخیر و با لایحه اعتماد غذا های مکرر زندانیان سیاسی زندانیهای مختلف بعلم دست آوردن حقوق ابتدائی زندانیان سیاسی و اعتراض به رفتار ما موران، ضرب و شتم مکرر زندانیان سیاسی و حتی یورش به ما داران آنان و... همه و همه دروغهای بیشرمانه هیئت در مورد نظم و ترتیب "دوره سوم، دوره بر قرار ی شورای عالی قضایی افشا می نماید. در انتها "با ید متذکر شد که هیئت از عملکرد های مثبتی نیز برخوردار بوده و آن عنایت و بذل توجه کافی به کودکان چغان است.

"هیئت بررسی تا بیع شکنجه!" در عین طرح کامل خواستهای کودکان چغان و پیگیری دقیق آن در چندین کمیسیون نیز در مورد غفواتان شرکت می کنند و در این راه وظایف خود را بطور کامل ارج می نهند. بررسی عملکردها و گزارش هیئت بررسی

شکنجه با رد دیگر چهره فریبکارانه و ضد خلقی رژیم آشکارا تر می یازد. ما و سایر نیروهای انقلابی با مدارک و شواهد متعدد و انکارنا پذیر بارها و بارها اعمال و حشیانه شکنجه را در پیشگاه خلق افشا نموده ایم. اینک نیز اعلام می کنیم، هیئت بررسی شکنجه، هستی که منتخب خود شکنجه گران، و منتخب سران حزب جمهوری اسلامی است از نظر ما و از نظر خلق ایران کوچکترین فائولیت و اعتباری جهت بررسی مساله شکنجه نداشته و نخواهد داشت. مساله اعمال شکنجه در ایران

گواهی باد خاطره شهدای خرداد

رفیق صمد پهریکی) - در سخا خدایات و احتماع (مجموعه مقاله - نقد - بررسی) ملح ها (مجموعه داستان) و چند ترجمه دیگر - رفیق سپهر و صمن درگیری سا بلیس دستگیرند و پس از رجعا، و حشیانه ترین شکنجه های آنکه کلامی سر لست آورد در روز ۹ خرداد ۵۵ به شهادت رسید.

خرداد ۵۳

* فدائی شهید رفیق علیرضا شهابزوی متولد ۱۳۲۸ در تهران - همسر و هم فرزمت فدائی شهید رفیق زهرا آقایی قلپکی رفیق علیرضا پس از تحمل سه ماه شکنجه در تاریخ ۲۸ خرداد ماه ۵۳ به شهادت رسید.

خرداد ۵۴

* فدائی شهید رفیق حسرو ترکمیل و
* فدائی شهید رفیق حسین سلاخی دز تاریخ ۲۸ خرداد ۵۴ بدست مزدوران رژیم به شهادت رسیدند.

خرداد ۵۵

* فدائی شهید رفیق مینا طالب زاده - شوشتری همسر و هم فرزمت رفیق قاسم سیادتی در تاریخ ۸ خرداد ۵۵ بدست مزدوران ساواک به شهادت رسیدند.

* فدائی شهید علیرضا رحیمی علی آبادی و
* فدائی شهید حسین موسی دوستی
دموچالی در تاریخ ۲۱ خرداد ماه ۵۵ توسط جلادان رژیم شاهنشاهی به شهادت رسیدند.

خرداد ۵۷

* در روز ۶ خرداد ۵۷ در آخرین ماههای سلطنت شاه خاش دوست از چریکهای فدائی خلق در یک درگیری قهرمانانه در کرج به شهادت رسیدند.

* فدائی شهید رفیق رفعت معماران بنام متولد ۱۳۲۴ در تبریز، فارغ التحصیل دانشرای عالی سیاهدانش - معلم.

* فدائی شهید رفیق سلیمان بیوسته حاجی محله در درگیری کرج زخمی و دستگیر شد و پس از مدت کوتاهی در زیر شکنجه به شهادت رسید.

* فدائی شهید رفیق سعید معینی و
* فدائی شهید رفیق حسن معصومی همدانی در تاریخ ۲۱ خرداد ۵۷ بدست عوامل مزدور رژیم به شهادت رسیدند.

با داین شهدان را که در راه رها نشی خلق از دست بر ما نه های امپریالیستی جان خویش را نثار کردند گرامی می مداریم و بییمان میبندیم که ما نیز در راه رها نشی کارگران و زحمتکشان از بذل جان دریغ نورزیسم

با ید توسط کمیسیون مرکب از نمایندگان سازمانهای سیاسی مترقی جهان، نمایندگان و کلا رفقات دانشگاهی، نمایندگان کانونهای دمکراتیک، نمایندگان سازمانهای سیاسی مترقی و چندتن از افراد شکنجه شده مورد بررسی قرار گیرد. تنها چنین کمیسیونی است که جهت تحقیق و بررسی در مورد اعمال سیاستهای ضد انسانی در مورد مبارزان انقلابیون و زندانیان رسمیت و قانونیت خواهد داشت.

بحث «آزاد» و جمهوری اسلامی؟! بند ۱

این محور است یعنی چون ما بر آن نایزیم، تا تکمیل روند توسعه را در اختیار نمی گیریم، و هرگز ما نمی خواهیم که در آنجا مردم خود را به ما تحمّل کنند. منطقی نگریسته و حق احساسی نیست برای سرروای که منصفانه است. بلکه در سرروای که ما می بینیم، از آنجا که ما می بینیم، از آنجا که ما می بینیم، از آنجا که ما می بینیم...

ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم. ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم. ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم. ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم...

ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم. ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم. ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم. ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم...

ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم. ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم. ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم. ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم...

ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم. ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم. ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم. ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم...

اولین قربانیان اعتراض به لایحه قضا

۱۹ روز پس از تصویب طرح قانونی در مورد سرروای و تغییرات در ساختار قوه قضائیه، اولین قربانیان این طرح اعلام کردند که با این طرح موافقت نمی کنند.

این گروه از قضایای سرروای، که در دادگاهها و محاکمات مختلف فعالیت می کنند، از این طرح به شدت نگرانند. آنها معتقدند که این تغییرات منجر به تضعیف قوه قضائیه و نقض اصول دادرسی عادلانه خواهد شد.

این گروه از قضایای سرروای، که در دادگاهها و محاکمات مختلف فعالیت می کنند، از این طرح به شدت نگرانند. آنها معتقدند که این تغییرات منجر به تضعیف قوه قضائیه و نقض اصول دادرسی عادلانه خواهد شد.

وحدت بنی صدر

و حزب جمهوری اسلامی

در خلع سلاح نموده ها

بنی صدر با همه سرکشان و با همه احزاب و احزابی که با او همکاری می کنند، در این باره به وضوح بیان کرده اند که این طرح منجر به خلع سلاح و تضعیف قوه قضائیه خواهد شد.

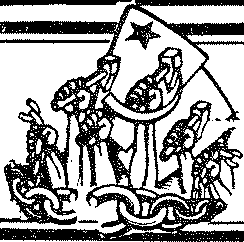
این گروه از قضایای سرروای، که در دادگاهها و محاکمات مختلف فعالیت می کنند، از این طرح به شدت نگرانند. آنها معتقدند که این تغییرات منجر به تضعیف قوه قضائیه و نقض اصول دادرسی عادلانه خواهد شد.

هشدار مادران زندانیان سیاسی در باره خان فرزندان دربند خود

فرزندان ما که از رسته پلید آنها آنگاه شده بودند از زمین خودی ما بیگانه شده اند. دلیل ریش گریه و مریت ما به خاطر ما و در همین است.

ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم. ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم. ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم. ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم...

ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم. ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم. ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم. ما در شرایط فعلی کار نمی بینیم...



گرامی باد خاطرۀ شهیدای خرداد ماه

خرداد ۴۹

فدائی شهید رفیق حسن نیک داوودی متولد در بندرانزلی - مهندس - در اردیبهشت ماه ۴۹ دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه های فراوان در خرداد ماه همان سال به شهادت رسید.

خرداد ۵۰

فدائی شهید رفیق رحمت الله بیرو - ندیری از نخستین اعضای سازمان بود و در عملیات قهرمانانه ای مانند اعدام انقلابی تیمسار فرسیوش شرکت داشت. او نیز در جریان محاصره خانه نیروی هوایی پس از به هلاکت رساندن چند تن از مزدوران با آخرین گلوله به زندگی پرافتخار خویش پایان بخشید.

فدائی شهید رفیق اسکندر مادی نژاد متولد ۱۳۱۹ - کارگر - دبیر سندیکای کارگران فلزکار رومکانیک - از نخستین اعضای سازمان و عضو تیم تدارکات سیا هکل - رفیق هنگام محاصره خانه نیروی هوایی فرمانده تیم بود و همان روز در مدد خالی کردن خانه تیمی دیگر برآمد و در جریان اسباب کشی در محاصره ساواک و پلیس قرار گرفت و در درگیری به شهادت رسید.

فدائی شهید رفیق بهروز دهقانسی متولد ۱۳۱۸ در تبریز - معلم - نویسنده - مترجم - از نوشته های او میتوان از: گزارش ها و خاطرات دربارۀ روستا های آذربایجان (با رفیق صمدبهرنگی) - گزارش دربارۀ روستا های قره باغ - افسانه های ایبالتیا نوشته ماکسیم گورکی (ترجمه) - زندگی و آثارشون اوکیسی (تالیف و ترجمه) - افسانه های آذربایجان (گردآوری) -

بقیه در صفحه ۱۸



فدائی شهید: رفیق امیر پرویز پویان



سوم خرداد ماه ۱۳۵۰ خیردرگیری و مقاومت مسلحانه چریکهای فدائی خلق بسرعت در سراسر تهران بیجید.

همه از مقاومت قهرمانانه چریکهای دربارۀ مزدوران رژیم شاه صحبت می کردند همه با تا باوری این خبر را دهان به دهان منتقل می کردند که امیر پرویز پویان چریک فدائی خلق، رزمنده پیگردشمن آشتی ناپسند رژیم شاه و امیرالایم جهانی، کسی که رژیم شاه اینهمه آزار و وحشت داشت در این درگیری بشهادت رسیده است. اما توده ها که قهرمانان خود را جاودانه میدانند، این خبر را باور نداشته تسا مدتها صحبت از این بود که پویان زنده است، و هر کسی دلیلی برای ادعای خود ارائه میداد. اما رفیق پویان همان روز در حالی که در خانه تیمی واقع در نیروی هوایی

در محاصره مزدوران کتیف رژیم شاه، ساواکیها و پلیس قرار گرفته بود، پس از نبرد قهرمانانه و تاپای جان، پس از آنکه گلوله های رانثار دشمنان خلق نمود با آخرین گلوله اش بزندگی خود پایان داد. او مرگ را بر اسارت در دست دشمنان ترجیح داد.

رفیق امیر پرویز پویان یکی از رهبران و بنیانگذاران سازمان در سال ۱۳۲۵ در مشهد متولد شد، در همانجا با رفیق مسعود احمدزاده آشنا شد و فعالیت مبارزاتی خود را آغاز کرد. بعدها با تفاق رفیق مسعود عباسی مفتاحی به سازمانهای اولیه گروه پرداختند.

رفیق پویان علاوه بر شور و انقلابی و خلافت کم نظیرش در درک مسائل اجتماعی، نویسنده ای برجسته بود و در کتاب خود "خشمناک از امیرالایم" "ترسان از انقلاب" به تشریح موضوع منزلت خرده بورژوازی پرداخته است. همچنین کتابی بنام "با زنگش به نا کجا آباد" نوشته، رفیق پویان در آخرین اثر خود "ضرورت مبارزه مسلحانه و روش تئوری بقاء" که در واقع حاصل جمع بندی بحثهای مکرر در گروه بود، مبارزه مسلحانه را بعنوان یک ضرورت تاریخی در آن مقطع اعلام کرد و همراه با سایر همزمانانش به سازماندهی نظامی گروه که بعدها بنام چریکهای فدائی خلق پایه عرصه وجود نهاد، آغاز نمود.

رفیق پویان پس از دستگیری و رفتن از سیا هکل و اعدام آنان، در اعدام انقلابی فرسیوی جنایتکار شرکت کرد و بالاخره پس از سالها مبارزه در راه آرمان زحمتکشان در سوم خرداد پنجاه شهادت رسید، یاد رفیق امیر پرویز پویان، و همه شهیدای خلق گرامی باد.

نشدنی خلق اند، از همین روست که رژیم جمهوری اسلامی علیرغم تمام ادعاهای دروغینش حتی از نام انقلابیون و بزرگداشت خاطرۀ قهرمانان خلق وحشت مرگ دارد، اما سال مانع از آن شد که سازمان مجاهدین یعنی سازمانی که آدامه دهنده راه حنیف نژادها، بدیع - زادگانها، سعید محسن ها، عسکریزاده ها و مشکین ماهاست، در یک مراسمی با شکوه خاطرۀ این فرزندان دلور خلق را گرامی دارد. اما چه خیال باطلی! رژیم تصور میکند، که با چنین شیوه هایی میتواند، یا دفرزندان خلق را از ذهن خلق بزاداید، خلق هیچگاه با دفرزندان قهرمان خود را فراموش نخواهد کرد و همیشه خاطرۀ آنان را گرامی خواهد داشت.

گرامی باد خاطرۀ بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق

مرشرا از ایمان به خلق و آرمانهای خلقی بود، بدست دژخیمان رژیم مزدور شباهه بشهادت رسیدند.

این فرزندان قهرمان خلق در روزهای که دیکتاتور، سایه شوم و نفرت با خود را بر میهن ما گسترده بود و بقدرت رسیدگان کنونی هر یک از ترس بگوشه ای خزیده و یا بتملق گویی و ثناخوانی رژیم مزدور شاه مشغول بودند، به نبردی آشتی ناپذیر با دشمنان خلق برخاستند.

آنها با مبارزه قهرمانانه و حماسه آفرینشان درس ایمان و عشق به خلق را آموختند، آنها در صومۀ قهرمانان فراموش

سعید محسن، حنیف نژاد، بدیع زادگان عسکریزاده و مشکین فام

نه سال پیش در سحرگاه چهارم خرداد پنج تن از فرزندان قهرمان خلق، سعید محسن حنیف نژاد، بدیع زادگان، عسکریزاده، مشکین فام، از بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران، در حالیکه قلبشان

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر